

کتبخانه ایرانی شماره از
Iranische Bibliothek in Hannover

نامه مجاهدین خلق بها مام خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضرت آیت الله العظمی امام خمینی، پدرگرامی مان،

مجاهدین خلق ایران در نهایت اعتذار از اینکه در هنگامی که آن حضرت بیش از پیش نیازمند آرامش هستید مزاحم اوقات شریف می شوند، ضمن آرزوی سلامت و عمر طولانی برایتان در رابطه با پارهای مطالب بقیه در صفحه ۲

پیام برواد مجاهد موسی خیابانی به خلق مجاهد پرور تبریز

به نام خدا

به نام خلق قهرمان ایران

مردم شریف و مبارز تبریز، همشهريان قهرمان: اینکه مرحله‌ی اول انتخابات دوم رحله‌ی کذاشی را پشت سر بقیه در صفحه ۲



مجاهدین بزمزار پدر طالقانی مجاهدین در سال نوبارت یگر با آرمانها و میثاق پدر

بر مزار پدر طالقانی، با آرمانهای او تحدید عهد کردند؛ مزاری که شرف انقلابی، سادگی و صفاتی زندگی پدر ابریشم چی از اعضاء مرکزیت سازمان بهمراه مادر رضائی‌های شهید و پرخی را در خاطره‌ها زنده می‌کند. آخر احوال خودوصیت کرده بود که تربیتش در کنار متناسبه بازدید از مراکز پدر طالقانی شناخته شد.

در آغاز نوروز و نیز در روزهای اعلی و در قلب مردان و زنان آگاه عید، بزادران و خواهان مجاهد و انقلابی این میهن به ابدیت پیوسته دیگر از خواهان و بزادران مجاهدار حمله اشرف ریبعی، پروریز یعقوبی و در اولین نوروزی که پدر در ملکوت در روز چهارشنبه ۶ فروردین ۱۳۵۹ بر مزار مسعود رجوی، عباس داوری و مهدی ابریشم چی و خواه را در طالقانی شناخته شد.

بحران

نخستین شماره‌ی "مجاهد" در سال جدید در شرایطی بسیار حساس و بحران خیز به دست شما می‌رسد. در همین شماره توضیحاتی در باره‌ی علت روزانه شدن مجاهد (چنانچه مجموعی اوضاع و احوال اجازه بدهد) به عرضتان رسانیده‌ایم.

یکی دیگر از دلایل این کار بحران‌های متعددی است که سراسر ساخت اقتصادی و فضای سیاسی جامعه‌ی ما را فرا گرفته است:

- بحران مربوط به مسائلی شاه خائن و ورودش به مصر و تجمع ساواکی‌ها و خدایانقلاب (البته به معنی واقعی و نه به معنای قلب شده و مبتذلی که نیروهای ارتقا عی پهکار می‌برند).

- بحران مربوط به روابط استعماری قطع ناشدی ایران و آمریکا که به دلیل بسیاری باری به هر جهت کردن‌ها، و تعابر نادرست از مفهوم پایه‌ای "نهشتری، نه غربی" کار را به آنجا رسانیده که آمریکا طبلگار هم دری آید و به نوکر جیره خوار، محمد رضا پهلوی رهنمود سفر به مصر و نزدیک شدن به خاک ایران می‌دهد.

- بحران در مسائلی بسیار خطیر انتخابات مجلس شورای ملی که برخی از نتایج آن واقعاً گاسی صبر منصفترين و بی طرفترين افراد را نیز لبریز گرداند.

- بحران اقتصادي و گرانی و بیکاری و ...

- بحران مربوط به موقعیت گلی و جایگاه سیاسی نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین خلق که این روزها در خیلی از جاها تا مرز محدود الدم خواندن آنها پیش رفتند.

- بحران تردید و عدم اعتماد اجتماعی که به خاطر کثرت مشکلات و مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی کمتر جایی از سیستم موجود را فرا نگرفته است.

- بحران مربوط به ارتقا عی و اینکه به چه کسانی اطلاق می‌شود

- بحران ...

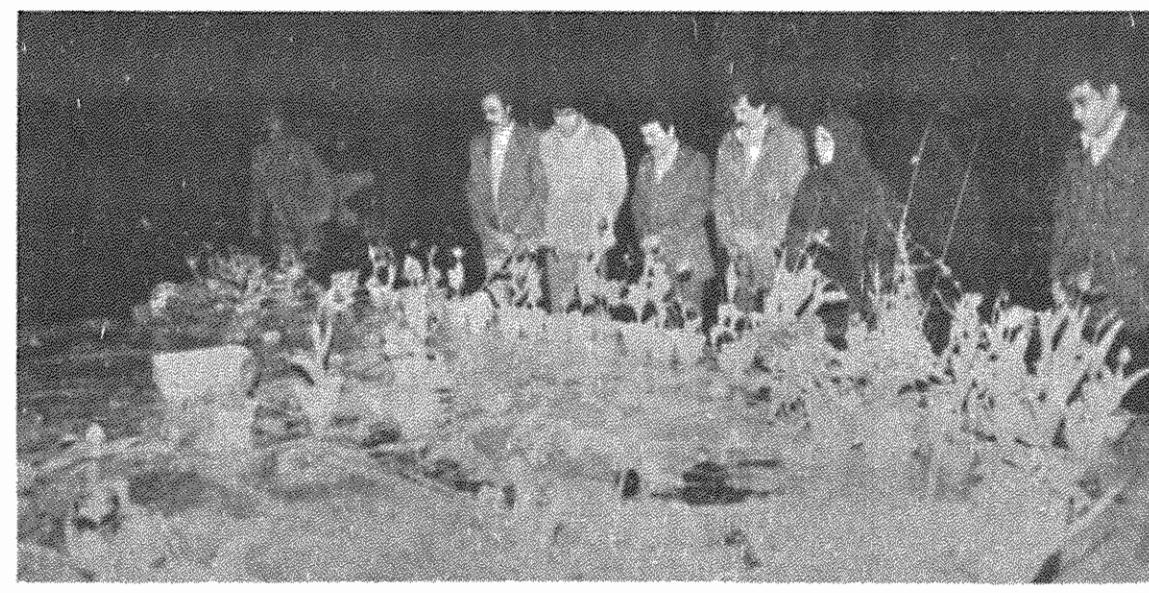
تسليت
مجاهدین خلق ایران
وسوال از مسئولین
در ارتباط با کشته شدگان
اخیر کردستان

به نام خدا

به نام خلق قهرمان ایران

طبق اخبار و اظهار پار دیگر
دستهای توطئه‌گر و آتش افزای،
عدهای از مردم زحمتگش و مستعدیه کردستان را در روستای "قلاتان" به خاک و خون گشیده‌اند.

برادران مجاهد مسعود رجوی، موسی خیابانی، عباس داوری، مهدی ابریشم چی و خواه را در طالقانی شاهد شدند. سازمان مجاهدین خلق ایران صحن عروس تسليت به تمام مردم ایران و به ویژه خواهان و بزادران



سازمان مجاهدین خلق ایران

صحن عروس تسليت به تمام مردم ایران و به ویژه خواهان و بزادران

کردستان را در روستای "قلاتان" به خاک و خون گشیده‌اند.

سازمان مجاهدین علی‌اکبر ایران

نهضت عرص تسلیت به تمام مردم

ایران و به ویژه خواهان و برادران

عزیزان در کردستان از مقامات

مسئول می‌خواهد گه عوامل دست‌اندر

گار این فاجعه ملی هرچه سریعتر

معرفی و مجازات شوند.

هم‌چنین می‌پرسیم که آیا این

خونریزیها و تفرقه اشیزی‌ها آنهم در

کوران انتخابات و درست بلا فاصله

پس از آنکه یکی از رهبران گرد (آقای

دکتر عبدالرحمن قاسملو) برای

برنامه‌ی رادیوتویزیونی به تهران

دعوت شده است، مبنی این نیست

که دست‌های گهنه‌گار آتش افروز

همچنان قصد تازه گردن زخمی‌ای

گهنه و تفرقی ملی و اخلاق در

حل و فصل مسائل میز مسئله‌ی

کردستان را در سر می‌پروراند.

و مگر نه این است که امام خمینی

در پیام تاریخی مورخ ۲۶ آبان خود

بی‌اعاده‌ی حقوق مردم گردستان و

بازیشت صلح و آرامش بر منطقه‌ی تاکید

نموده و رئیس جمهوری نیز حق

خدودختاری خلق گرد را پذیرفته

است.

مجاهدین خلق ایران

۵۹/۸ فروردین

برادران مجاهد مسعود رجوی، موسی خیابانی، عباس داوری، مهدی ایپشم حی و خواهر مجاهد اشتفت ربیعی و مادران خانی‌های شهید سرمهار مجاهد (آن چهار طلاقی).

- بحران تردید و عدم اعتماد اجتماعی که به خاطر گشته مشکلات و مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی گستر جایی از سیستم موجود را فرا گشته است.

- بحران مربوط به ارتقای و ارتخای و اینکه به چه کسانی اطلاق می‌شود در چنین وضع و حالی - که البته برای انتابیون راستین جای هیچگونه گله‌گذاری هم ندارد و بیش از پیش اسباب رشد هم هست (البته اگر با آن اصولی و خوب برخورد شود) - بازار به اصطلاح افشاگری - های گذاشته از خائن از گیشه‌ی بی‌حساب و پرفتوت ملت ایران و میلیاردها توان پول بادآورده یا چپاول شده ادامه دارد تا شعار افشاگری انقلابی سازشکاران، سپاه‌مندان آریامهری و متولیان (بعض اسلام‌پناه) قدرت و میراثداران و میراث خواران ساواک را بی‌ارزش و لوث کند.

در این میان وضعیت ما (مجاهدین) وضعیت به خصوصی است. چرا که هدف درجه‌ی اول بسیاری از توظیه‌ها و فشارها قرار گرفته‌ایم. دست‌های مشکوکی و دستجات معلوم‌الحال سوگند خورد هم‌گزین که با تزویر و دروغ و تقلب (آنهم در ابعاد نجومی) درهای شورای ملی را نیز به رویمان بینند. و چنین است که حتی مسائل زندگی شخصی و خانوادگی را نیز بر سر ما خراب می‌گذند و از وجه‌الصالحه قراردادن همسران خلق‌الله نیز ابائی ندارند.

تهدید مسلح‌انهی روزنامه‌ی معلوم‌الحال در شماره‌ی ۱۲۷ اسفندماه خود علیه مجاهدین و بعد هم اظهارات ریگ و ننگینی گذ با سوای استفاده از نام و حرمت پاسدار در رابطه با قضایای ماه‌گذشته قائم‌شهر در نیمروز سه‌شنبه گذشته در رادیو صورت گرفت نشان از بسیاری چیزها دارد گه در آینده معلوم خواهد شد.

از جهتی به‌هیین دلایل بود که انتشار روزمره‌ی مجاهد ضرورت یافت. تا خلق در این مبارزه‌ی شکوهمند در جریان قرار گیرد و یاریمان گند. اینها مسائلی هستند که بایستی در شماره‌های آینده به تذکر آنها بپردازیم و از مردمان نیز چارچوبی گنیم و راه حل بخواهیم.

منجمله باید در شماره‌های آینده روش گنیم که واژه‌های رایج از قبیل مرجع و منافق چه معنای دارد و به چه افراد یا گروه‌هایی و با چه عماکردهایی اطلاق می‌شوند.

به‌ایم روشگری هرچه بیتر و پیروزی

ضرورت انتشار روزانه مجاهد

با توجه به گسترش توده‌ای سازمان از مدتی پیش لزوم انتشار روزانه مجاهد احسان می‌شود. لکن به دلیل تضییقاتی که بعضاً هم هنوز وجود دارد امکان آن را نمی‌بافیم. با وجود این هر روز که می‌گذرد ضرورت چنین کاری بیشتر مطرح می‌شود همانطور که می‌دانند هدف ما از ابتدا تحقق آرمان‌های انقلابی اسلام اصلی بوده است و نیل به این اهداف تنها با آگاهی، بسیج، تشکیل و حرکت انقلابی توده‌های مردم امکان‌پذیر است.

سازمان مجاهدین با مجموعه‌ی علکردها و موقعیت‌گیری‌های خود مرحله به مرحله در این سیر پیش می‌رود. اما در هر دوره بسته به میزان کشش اجتماعی و مشخصاً در رابطه با میزان حیات‌های مردمی از یک طرف و سرعت تحولات و... از طرف دیگر کم و کیف ارتباطات متفاوت بقیه‌درصفحه ۷

یاد قاضی محمد فرزند دلیر خلق کردگرامی باد

او در شهر باقی ماند و پیشنهاد خروج از کشور را نپذیرفت بالآخره اور در میدان شهر بدار آویختند.

کردنشیش به طور متوسط هر روز ۱۵ قاضی محمد و ۱۵ تن دیگر از فرزندان دلیر خلق کرداست. سی و سه سال پیش در حین روزی زیرزمی می‌گردید و قاضی محمد سیار دیندار، ساده و ریاست‌کش نفر از گرستگی می‌بیند! در چنین شرایطی است که یک جنبش زیرزمی می‌خورد. مردی عمیقاً معتقد، سا سه نام "سازمان زندگی کردستان" با شهامت و فداکار...".

سیارزات حق طلبانه مردم کرد که برعلیه حکومت مرکزی غارتگر از مدتها بریش شکل گرفته بود. دولت مرکزی با سرگوب خونین مردم و تلاش برای خلع سلاح کرده‌ها آتش حنگ را شعله و حیات خاموش کرد.

قاضی محمد درسال ۱۲۸۵ سی در یک خانواده‌ی مذهبی و روشنگر کرد متولد شد. محرومیت جنگ دوم جهانی استفاده کرده و همچون پدر و عموش به صحنی ماره کشاند و این در زمانی است که فقر می‌خشد؛ و این در زمانی است که فقر می‌خورد. قاضی محمد و بزرخی دیگر از رهبران سیاسی کرد در تلاش بودند که از درگیری دولت‌ها در حزب طی سیاست‌های خواسته‌های خود را اعلام می‌دارد: - خود مختاری برای کردستان در حارچ‌بود از مجموعیت ناشی از ستم ملی و استعمار مهاباد از محبویت خاصی برخوردار می‌گشت. در وصف او می‌نویسند که "مردم

رسی

بقیه‌درصفحه ۷

در صفحات دیگر:

گزارشی از بازداشت

یک خبرنگار مجاهد

پیامون

فواری دادن شاه

از انتخابات

درسی بیاموزیم

افزایش بی‌نظری

تیراز مجاهد

نامه خواهر حبیری

به همسرش

برومنه قرن (شعر)

.....

زن در هیئت رهائی (۱)

بدون داشتن یک دیدگاه مشخص در باره زن نمی‌توان ادعای رهبری مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استثماری جامعه را داشت.

یک طرف و منکرین این تساوی از طرف هرگز درازاء‌این کار و تلاش حی در مواد مطالعه زنان از حقوق یکسان با مردان برخوردار نیستند: در کارخانجات هنوز در ازهار صاوی و متابه زنان در موقعیت متساوی قرار ندارند و در یک کلام علی‌رغم شده، ولی با کمی دقت روش می‌شود که این بحث‌ها همگی بیانگر تلاشی است که در رسته‌ها و مسئولیت‌های سنگین از طرف زنان چه درخانه، تساوی همه جانبه‌ی حقوق زن و مردان چه در مزمعه و چه در کارخانه وادره بقیه‌درصفحه ۷

مسئله‌ی زن و موقعیت اجتماعی او از دیرباز مورد بحث و گفتگو و بررسی و مطالعه بوده است. هرچند در این زمینه نقطه نظرهای گوناگون و گاه کاملاً متفاوت و متفاوت از اینه که زنان در میان اتفاقات هنوز در ازهار مطالعه زنان در یک کلام علی‌رغم شده، ولی با کمی دقت روش می‌شود که این بحث‌ها همگی بیانگر تلاشی است که در رسته‌ها و مسئولیت‌های سنگین از طرف زنان بتری بین طرفداران چه در مزمعه و چه در کارخانه وادره بقیه‌درصفحه ۷

یقیه‌ا ز صفحه‌ا ول

نامهٔ مجاهدین خلق به امام خمینی

بسیار حساس مملکتی به استحصار می رسانند :

۱ - شاه خائن با اشارة و صوابدید اربابان آمریکایی خود راهی
طلب منطقه شده است تا در مرکز شقل سواوگی ها و دژخیمان، فواری و زیر
چتر امنیتی و نظامی سادات و اسرائیل گماگان توطئه برعلیه انقلاب
پیران را از نزدیک ادامه دهد. و به همین دلیل نیز آنها در مدت اقامت
همام در بیمارستان پر خرد آمال فرد، فرد ملت ایران از هیچگونه شایعه
پردازی ابا نداشتند همچنین در این ایام نوکر سرسپرده دیگر آمریکا
یعنی بختیار خیانتگار به فعالیت های بی ساقه ای در اروپا دست زده و
برآوردهات و مراجعتات بسیار پیدا گرده است . قبل از این نیز شاهد بودیم
نه آمریکا هزمان با فعل و اتفاقات شدید نظامی در منطقه ، تلاش نمود
تا در گستوت گنفرانس پاکستان سران ارجاعی وابسته به خودش در منطقه
را از موج احساسات خدا استعماری آمریکایی که تحت رهبری شما در منطقه
برانگیخته شده بود ، مصون دارد . چراکه آمریکا برغم منطق خد شنا پذیر
خلقه و تاریخ جهان گمان این داشته و دارد که افکار عمومی کشورهای
تحت سلطه را تا آنجا که می تواند از دشمن اصلیتان منحرف سازد . حال
ینکه شما بارها و بارها تاکید فرموده اید که آمریکا این شیطان بزرگ جهان
دشمن اصلی است و کلیه روابط و پیوندهای استعماری، اقتصادی و
سیاسی و نظامی و فرهنگی ساست . آن قطعه گردید .

۲- متناسبه تا این تاریخ منویات ضد امیریالیستی شما مبنی بر
قطع تمام پیوندهای استعماری چنانکه باید اجرا نشده و علیهذا برای
همهی مسلمانان انقلابی ایران در رابطه با آنچه فوقاً عرض شد اسباب
گذشت است.

۳- علاوه بر همه‌ی اینها این روزها درگیران انتخابات در صحنه‌ی سیاست داخلی نیز شاهد بالاگرفتن اختلافات فرقه‌ای و حزبی و گروهی منجمله‌ی برعلیه‌ی مجاهدین خلق ایران هستیم. تمایلی که برجسب آن با آنکه موقعیت شور ما در مقابل آمریکا هیچ تفاوتی با یک ماه پیش نکرده است، مجاهدین بیز بمتابه‌ی دشمن تلقی شده و گاه صراحتاً "مهدورالدم" و "بدتر از سواکی" و "دشن اصلی در داخل کشور و شایسته‌ی هرگونه سرگوب" معرفی می‌گرددند. والبته آشکار است که اگر این گونه تمایلات مهار نشود خواهی و خیم آن که یادآور اختلافات جنگ و جدالهای حیدری - نعمتی است، بیش از پیش راه را بر مقاصد شوم امپریالیستها هموار خواهد نمود حال آنکه بدیهی است لااقل تا وقتی زمینه‌های هرگونه طمع و چشم داشت امپریالیستها بر این میهن اسلامی منتفی نشده باشد، شفهشدن نیروهای بردم هرگز به سود انقلاب نبوده و هیچ چیز مسموم‌تر و خطرناک‌تر از نداشته وحدت‌گامه ۴۰۷ تفرقه نیست.

۴- در ارتباط با همین گونه اختلافات که نهایتاً چشم‌اندازی جز موضع‌گیری متقابل نیروها در قبال یکدیگر به زیان تمامی انقلاب رهائی بخش خدامپریالیستی و اسلامی‌مان ندارد ما نمی‌توانیم از مقدمه - چینی‌هایی که به اشکال مختلف در آستانه انتخابات صورت می‌پذیرفت خرو گذار نموده و مثلاً تهدید مسلح‌اندی یک روزنامه‌ی بخصوص علیه خودمان را بعرض امام نرسانیم . زیرا که بالصراحت در روز ۲۷ اسفندماه عنوان گرده بودند که در برابر ما چاره‌ای جز "اندیشه به سلاح" نیافتداند و تاثیر ما وقتی افزایش می‌یابد که به یاد بیاوریم همین نویسنده‌گان در دروان دشیم طاغوتی، و در برابر آن چنین اندیشه‌ای را نفی، و طرد

قابل توجه طاغوت‌جهه‌های انحصار طلب

جائی رسیدند و مجاهدین !! امروز شدن و علیه مجاهدینی که از گذشته
جان برکف و سلاح بردوش می جنگیدند توطئه کرده و به افشاگری آنها
پرداختند .

اما وقاحت نیروهای میرا به حدی است که از هرگونه دروغ و کلک و ... نیز بپای، لمحت کردند. حمایت از انقلابیین استفاده می‌کنند.

به خدا قسم برای انقلابیون تازه به دوران رسیده نه اسلام مهم است، نه قرآن، نه شرف، و نه آزادگی؛ بلکه فقط و فقط یک چیز مهم است آنهم حفظ منافع اتحاد طلبانه شان، و در این مسیر از ناجوانمردانه ترین شیوه هم استفاده می کنند و ابایی ندارند که در صورت لزوم کلاه شرعی اش را هم درست کنند!! آخر آن زمان که مسعود رجوى در زیر شکنجه ها فیض اللہ اکبر سرمه داد حضرات کجا بودند؟

حتما در حال تقيه‌گردن، آنهم تقيه برای حفظ جان شيرين حضرات نه حفظ اسلام و آرمان‌های خدايی و خلقی، کافي است که شرایطی مشابه شرایط گذشته ايجاد شود، خواهيد ديد که باز هم تنها سلاح‌شان يعني تقيه را به دوش خواهند کشيد و کمافي السابق در سوراخ‌هايشان فرو می‌خزند.

حال بگذارید انحصار طلبان به اصطلاح افشاگری نمایند و چهارهی انقلابیون را به خیال خام خود لکھدار سازند، مگر می‌توان صدای حق و حقیقت را نابود ساخت. هرگز، هرقدر طاغوت بزرگ توانست عمل انقلابیون را نابود کند، طاغوت‌چهای انحصار طلب امروزی هم در این کارشان موفق خواهند بود.

سندهای زیر تعداد دفعات بازجویی برادر مجاهد مسعود رجوی را همراه با دفعات بستری شدن او در بیمارستان در خلال سالهای ۵۶-۵۴ نشان می‌دهد، شماره پرونده‌ی ۸۹۶ مربوط به برادر مجاهدان مسعود رجوی است. ۱۵ بار بازجوئی در خلال تنها ۲ سال توسط دزخیمانی همچون رسولی و منوچهری که گاه بعضی از آنها چند ساعت هم طول می‌کشیده است، نشان دهنده‌ی چیست؟ روحی بلند و عمیق و مقاوم و رسخت که همه‌این فشارها را به ریختن می‌گیرد. و نازه این سوای بازجوئی‌هایی است که در زندان و فافور انجام می‌گرفته است.

کسانی که با سواک و بازجوئی و دزخیمان جلا و زندان سروکار داشته‌اند می‌دانند که ۱۵ بار بازجوئی آنهم طی دو سال یعنی چه؟ سند دیگر هم تعداد دفعات، که مسعود به علت شدت شکنجهها و

بیماری‌های گوناگون در بیمارستان بستری شده است را بیان می‌دارد. این بستری شدن‌ها در شرایطی بود که راهی جز رفتن به بیمارستان نبود، زیرا سواک زندانیان را جز در شرایطی که بیم مرگ‌شان می‌رفت به بیمارستان اعزام نمی‌کرد. باز هم در خلال همان ۲ سال، ۷ بار بستری شدن در بیمارستان. این مسائل را تنها زندانی شده‌ها می‌توانند درک کنند نه آنها که سالها دم فرو بسته و عافیت‌جویی پیشه ساخته بودند و حتی در پستوهای خانه‌ایشان هم جرات حرف زدن نداشتند زیرا معتقد بودند که دیوار موش دارد و موش هم گوش دارد، و اکنون هم به اصطلاح انقلابی! و افشاگر! شده‌اند و در واقع میوه‌چین انقلاب گردیده‌اند، انقلابی که اولین حرقه‌های آن توسط مجاهدین و مبارزین آنهم در شرایط سخت زده شد و با قیام خلق به پیروزی رسید. وازسایه سر شهداء، قاعده‌نی دیروز به

چینی‌هایی که به اشکال مختلف در آستانه‌ی انتخابات صورت می‌پذیرفت فروگذار نموده و مثلاً تهدید مسلحه‌ی یک روزنامه‌ی بخصوص علیه خودمان را بعرض امام نرسانیم. زیرا گه بالصراحت در روز ۳۷ اسفند ماه عنوان گرده بودند که در برابر ما چاره‌ای جز "اندیشه به سلاح" نیافته‌اند و تاثر ما وقتی افزایش می‌یابد که به یاد بیاوریم همین نویسنده‌گان در دوران رژیم طغوتی و در برابر آن چنین اندیشه‌ای را نفی و طرد می‌گردند.

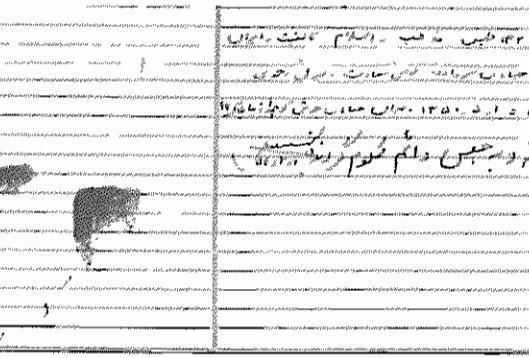
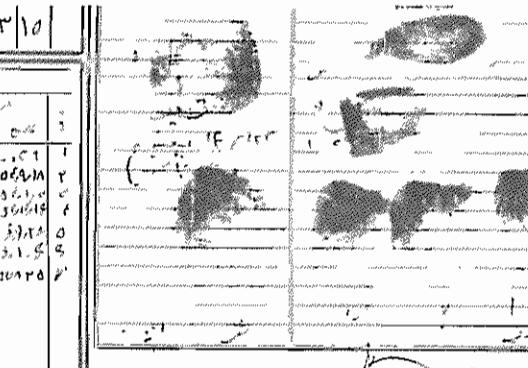
۵- به این ترتیب مجاھدین خلق در آرزوی یک زندگی مسالمت آمیز و تفاهم بار شورایی گه فارغ از هرگونه تهدید و عمل و عکس العمل ناخوشایند باشد خود را حق می دانند که به منظور نیل به حداچش وحدت گلمه و یکپارچگی ممکن از محضر شما تقاضا کنند که با ارشادات خود به این گونه نگرانی ها خاتمه دهید . بخصوص که در کوران انتخابات و در فاصله کوتاه مابین مرحله ای اول و دوم قطعا هیچ تشنجی به صلاح خلق و انقلاب و امام نیست . به همین دلیل ما مشتاقانه در انتظار رهنماوهای آن حضرت پیرامون مهانت از افزایش اختلاف و تشنج و بهترین نحوه مواجهه شموم نیروها با دومنین مرحله ای انتخابات هستیم :

ع - علیهذا اجازه می خواهیم در محضر امام بر این حقیقت تأکید کنیم که مساله انتخابات و گرسی های نهایندگی برای فرزندان مجاهداتان فرع بر مناقع کلی انقلاب بوده و شرکت ما در انتخابات تنها به این خاطر صورت گرفته است تا با حضور در یک مجتمع واحد سراسری، شگبائی و اکمال سenn خدا امپریالیستی شخص آنحضرت و به ویژه زندگانی تفاهم بارمی را برای عموم مردم هرچه بیشتر تامین نخواهیم.

السلام عليكم ورحمة الله
آرزوی مجدد سلامتی و طول عمر امام
مجاهدین خلق ایران ۵۹/۱/۵

مجاهدین خلق نظاره نمودند. بدون شک این نیروها با عملکرد آینده‌ی خود نیز در هر جا که باشند و لو به عنوان نمایندگان تحمیلی، هرچه بیشتر منزوی خواهند شد. بنابراین این شما پیروزی بزرگی به دست آورده‌اید و جای هیچ گونه سرخوردگی نیست و باید با نهایت شور و شوق انقلابی به مبارزه خود در هرسنگری که باشید آدامه دهید. امروز مسئولیت ما از هر زمان دیگری بیشتر است. اگر موقعیت خود را با یک‌سال پیش و حتی با سه ماه پیش و باز حتی با پیش از انتخابات مجلس شورا مقایسه کنید نتیجه‌ی مبارزات خود را خواهید دید. و در ادامه این راه یقین داشته باشید که پیروزی نهائی و آینده مال شماست.

خود را در میان مردم از دست داده
بودند در این روز هرچه بیشتر دست
رد مردم را بر سینه خود احساس
کردند و با حیرت و نگرانی استقبال
بی سابقه مردم آزاد و آگاه را از



三七四

سیا مبرادر مجاهد موسی خیابانی

گذاشتهایم و حقایق بیشتری هرچه آشکارتر برای توده‌های مردم روش شده است لازم می‌دانیم ضمن دورد به شما مردم آزاده و مجاهد پرور نکات چندی را با شما در میان بگذارم.

او در پیشگاه خصوص از اعتماد
قابل ستایشی که به من و دیگر
کاندیداهای سازمان مجاهدین ابراز
کردید سپس از کرده و از خدا
می خواهم که شایستگی ما را برای
برخورداری از این اعتماد هرجچه
بیشتر کند و همچنین در پیشگاه خدا
و شما مردم قهرمان و عددو میثاق خود
را مبنی بر ادامه راه انقلابی و
خونباری که به علت قرار گرفتن در
آن راه و پیمودن آن از این همه
اعتماد شما برخوردار شده ایم
تجدد و تاکید می کنم .

خواهان، برادران، مردم آگاه تبریز شما در آزمون انتخابات اراده و خواست واقعی خود را نشان دادید گرچه به علت اعمال تقلبات نامحدود که به نحو مایوس کننده‌ای یادآور انتخابات طاغوتی بود و همه‌ی شما زندیک آن را مشاهده کردید از بروزین اراده جلوگیری شد نیروها و عناصری که از مردم و از نمایندگان واقعی آنها وحشت دارند کوشیدند تا عناصر دیگری را به عنوان نماینده بر شما تحمیل کنند غافل از این که عهد نمایندگان تحمیلی سپری شده و سرانجام اراده واقعی مردم پیروز خواهد شد. به طبعی، که مشاهده کردید در

گزارشی از سه روز بازداشت غیرقانونی

یگ تیم خبرنگاری مجاہد

جاهايدين و منافقين و غيره گرد بها و گفتم تو
سلامه یست اينکه راجع به آنها حرف
زني نداري زيرا صادقت سداري و چون
گفت، جطور؟ گفتم چون حرف و عملت

می خواند. تو اگر قبول داری که من بیجا
را بین جا هستم و بیجا دستگیر شده ام
غیره، می توانی اینها را بنویسی و
نه من بدھی و یا جلوی این کارها را
گنگیم. وی گفت، مگر تو بدون حکم
از داشت شده ای؟ من گفتم آره. گفت که
د گردیده ای باید حکم می داشتی؟ من

نم گفتم اطمینان به حرف پاسداران
نقطه و گفته او که باید به کمیته
ایسایا بی به اینجا آمدام اگر استبا بوده
نم توانی ما را قبول نکنی و بگوئی
حکم ندارند همین رابنوس بد، تا من
ک شمه صداقت در تو ببینم و بعد
نشنیم و راجع به مجاہدیا منافق بودن
ما تو صحبت کنم اولین شرط هر فردی
له بخواهد حقیقت را بفهمد صداقت
ست. در غیر این صورت تو صلاحیت
سم بردن آنها را هم نداری، زیرا
آنها در این مدت که من با آنها
ودهام صادق بوده‌ام. بعده داد و
بیداد کرد که تو می‌خواهی ازمن آتی
سیاسی بگیری و داشما ازمن می‌برسی
وگر من مسئولیت این زندان را نداشته
باشم چه کسی داشه باشد؟ که من
وقتی هم که این سیاست را

علم هر سی سه سه استاد رومی سواد
ز پس این کار برآید. تو اگر شهامت
داشتی نامه را می نوشتی لذا صلاحیت
بغفل خودت را هم نداری. سلول مرد
موضع کرد و رفت. امروز دوشنبه آمدند
مرا به اتوبوس بردند که برادران
هم در آن بودند. برادران گویا به
فاطر بد بودن جایشان و انداختن
نان در کنار افراد فاسد و غیره...
براعتصاب غذا به سر می بردند حدود
۱۲ نفر دیگر هم سایه اتهام های واهمی و
روغین مشابه در ماشین بودند. به
ادسرا، بازرسی شعبه‌ی ۱۶ رفتیم
قای بازیزی از یک ما بازرسی کرد
اتهام واهمی من: ۱: - مقداری
علامیم بود که از هوادار فدائی ها که
صورت عابر و مسافر می گذشت گرفته
بودند این اتهام واهمی را به هر شش

نیازهای استفاده از دوربین
ضبط صوت برای
خبرنگاران رسمی آلت جرم

بعد حاج آقا گفت: "سما از موضوع برخورد می‌کنید، من می‌دانم که سور برخورد کنم. این دوربین وضبط اارت را در تلویزیون نشان می‌دهم به وان خیانت سما. سما جنایتکارید، گفید.... سما می‌خواهد آتسوی اسی بگیرید و در روزنامه‌تان چاپ گردند. نه ما این کار را نمی‌کنیم، و شما بد بمانید، بیوسید و....." ما متقللاً حواش را دادیم و گفتیم

سید بیو بن راهیم و سیم
حالا ما را به جرم دزدیدن صندوق
تمهاید و ما از زندان وغیره
نمی ترسیم . وی گفت : "سعادتی
از این رجز خوانی ها می کند . در
ین هنگام پاسداری بالحن بسیار
با عزم از تسلیم شد . و گفت

ن مثل سعادتی می اندازمندان توی
ول که بیوسید". حاج آقا، (که
لا فهمیدم وی ناش احمدقدیریان
ت و بعدا متوجه شدیم معاون امور
رایی دادستان انقلاب می باشد). از
خواست بیرون بروند، و بعد از
ظهای با چند نفر داخل شد و گفت
ها را ببرید. ما را سوار ماسین کردند
و دادرسی ارتش بردن. تاساعت ۱۲
ب ما در اطاق اطلاعات دم درورودی
دیم. بول دادیم سربازها برایمان
نم خردیدند، گویا خودشان مانده
دند که با ما چکار کنند. مسئول دم
می گفت شما اسم و فامیلیتان را
بریسید و بروید و ما قبول نمی کردیم
عين حال به هیچ وجه احراز می تلفن
ن به ما را نمی دادند. بالاخره

روز جمعه حدود ساعت ۴/۵
یم یگانه سعدوندی خبرنگار
دد) به حوزه انتخابیه ۲۴
پایین تحریس رفته است (البته در

برای کم رفته بودیم و هم برای
بیت از برادرمان در صورت درگیری
احتمالی که همیشه به عنوان
برای خبرنگار مجاہد بوده است) (
یعنی از پاسداری که آنجا بود
دیدیم که می‌خواهیم مصاحبه کنیم
پاسدار گفت مانع ندارد. در
نهضت من از دونفر که به خاطر بودن
همای تبلیغاتی "اعتصاف بزرگ" گله
نمودند نظرشان را بررسیدیم. بالطبع
بر برتری کاری ضبط صوت دارد و درین

اصحابه شونده می‌گفت از صبح
ماهی ائتلاف بزرگ روی میز بوده و
ناافقی با درب فلزی اشاره می‌کرد
گفت در این اتفاق را باز گنید
این برگ‌هاست. در همین حال
از داد زد اینهاتوطه می‌کنند،
ضبط می‌کنند که بعداً حاب
اینها می‌خواهند صندوق را
نند... در همین حال
یاسداران و مسئولان به سر
ران ما ریختند که ضبط صوت و
عین را بگیرند و آنها را کشان کشان
دند و به اهالی که جمع شده
می‌گفتند که اینها می‌خواسته‌اند
حق را بذرنده. دونتا از پرادران
داخل مغازه‌ای برده و دست
عزیزه را به دست یکی از اصحابه
ها دستبند زده بودند، که به
رض یکی از افراد تیم، دستبند را
صله باز کردند. در این حین من
به نایانده‌ی وزارت کشور می‌گفتم
من خبرنگار مجاهد هستم و کلیه‌ی
لیت‌ها را قبول می‌کنم، ضبط و
ایجاد اگدا

آقای دکتر بنی صدر، ریاست جمهور و ریاست شورای انقلاب به قرار اطلاعات موثقی که دریافت داشته‌ایم توطئه‌های سازمان-یافته‌ی وسیعی در سراسر کشور علیه مجاهدین خلق ایران در جریان است که یک به منصبه ظهور می‌رسد. شرایط فوق العاده حساس سیاسی کشور در این ایام چه در رابطه با تحولات بین‌المللی و آمدن شاه خائن به مصر و چه در رابطه با انتخابات مجلس شورای ملی در داخل کشور که هم‌اکنون فاصله‌ی میان مرحله‌ی اول و دوم آن را طی می‌کنیم، ایجاد

می‌گند که ضمن جلب توجه شما به موارد زیرین تقاضای اعمال حداقل مسئولیت و قاطعیت قانونی شان را به عنوان ریاست جمهوری و به عنوان ریاست شورای انقلاب بنماییم. بدیهی است که تنها در این صورت می‌توان آرامش سیاسی و تفاهم درونی گشور را تامین نمود. و به هیچ‌گونه سوءاستفاده‌هی بین‌المللی نظر رفتار برخی رهبران بعضی در مورد ایران، نیز میدان نداد و نگداشت تا کسی بتواند از آب‌گل‌الود ماهی بگیرد: ۱ - حمله و هجوم علیه ما و هوادارانمان و اقداماتی از قبیل سوزانیدن کتب و جزوای در نقاط مختلف گشور گماکان ادامه داشته و مراجعتای ما به مقامات مسئول مبنی بر تشکیل یک دادگاه علنی برای رسیدگی‌های قانونی تاکنون بی‌نتیجه مانده است، همچنین توصیه‌ها و

دستورات ماه دادسنه خود سما در بارهی اعمال قدرت و قاعدهای درباره
چمچه داران و محركان آنها مراجعت نگذیده.
و لذا روزی نیست که ما در گوشه و گنار گشور تعدادی مجرح و
مضروب نداشته باشیم بیمارستان های مختلف تهران و مرکز امداد
مجاهدین خلق ایران که پیوسته برای بازدید عموم آماده است، گواه
این امر می باشد.

۳ - بازار افشاگری‌های معجول گذائی نیز همچنان پربرونق است
تا در شرایط عدم انتشار همه‌ی پرونده‌ها و فهرست‌های ساواک، به جای
سازشگاران و سپاس‌گویان شاه اصیل ترین فرزندان انقلابی این میهن را
هدف قرار دهدن .

۴ - درقبال شکایت‌های انتخاباتی ما و به منظور لوث کردن آنها
شکایت‌های معمولی، البته پس از اطلاع از موارد شکایت سازمان
مجاهدین خلق ایران عنوان نموده‌اند تا توده‌ی مردم کم‌اطلاع، غیج و
سردگرم شده و در این میان تقلبات اساسی بزرگ از دیده‌ها پنهان بغاند
- ایم‌ام‌ام-تهران ۱۴۰۰/۰۶/۰۷

وی نم مضمیت جلوه داده سود .
حال آنکه شما بهتر می دانید که در جریان انتخابات ، مجاهدین خلق ایران واجده هیچ گونه مسئولیت اجرائی نبوده و جز تعدادی ناظر که بسیاری از آنها در نخستین ساعت رای تغیری با ضرب و شتم از حوزه ها اخراج گردیدند ، نداشتند . و اینگهی می دانید مطابق آماری که تاکنون از راه گاندیداهای او ایش شده است ، میزان رای مجاهدین خلق ایران از تخمین دفتر هماهنگی مردم با ریاست جمهوری نیز بسیار پاشین تر و اسباب شفقتی اغلب مردم تهران است . و درست به همین دلیل ما در

آقای بازیرس از یک یک ما بازیرسی کرد
اتهام واهی من: ۱ - مقداری
اعلامیه بود که از هادار فدائی ها که
به صورت عابر و مسافر می گذشت گرفته
بودند این اتهام واهی را به هرشش
تای ما که از دادرسی ارتش رفته بودیم
نسبت داده بودند. درحالیکه ما را
در سپاهان گرفته بودند و از خیابان
فردوسي:

بودند که با ما چکار کنند. مسئول دم
در می گفت شما اسم و فامیلیتان را
بنویسید و بروید و ما قبول نمی کردیم
در عین حال به هیچ وجه اجازه تلفن
زدن به ما را نمی دادند. بالاخره
حدود ساعت ۱۲/۵ یک اطاق بسیار
که مقامی خوردها،
ما دادند که بخوابیم صبح که بیدار
شدم دوغز دیگر هم در اطاق بغل
کشیدند

* * * *

تریسه بوده و می‌خواسته به سفارت
برودکه وی را دستگیر می‌کند. اتفاقاً
در کیفیش هم بیستاتی اعلامیه
福德ای هابوده است. (در حوزه خیابان
فردوسی) برادر دیگر طرفدار مجاهدین،
دانشجو، و ناظر انتخابات بوده و هبیه
تازه آن نفر اول هم چند اعلامیه
در جیب داشته. گویا دوباره پس از
پیروزی قیام باید شاهد دستگیری به
خطار اعلامیه باشیم. آن هم به اتهام
ماه دیگری.

جرمی هم نداشت و نمی دانست که چرا ۲ - اخلاق و دخالت در
وی را گرفتند. ساعت حدود ۲/۵ بعداز انتخابات، «اخبار جعلی برای
ظهر چند نفر آمدندو گفتند که روزنامه‌ای خاص بود. این مورد هم
می خواهد مارابه وزارت کشور ببرند. کذب محض بود. از آن اتهام‌های
به آنجا رفتم. گویا کاملا از دست ما ساختار. در ضمن ما علیه بازداشت
مستاصل شده و پرونده را به آقای غیرقانونی، هنک حرمت، کنگ زدن
میرسلیم حواله داده بودند. او هم آن دستبندزدن به برادر، دستگیری سه
را خوانده بود. پاسدارها آمدندو گفتند روزه بدون هیچ اتهام، شرکت آنان
شما را باید به اوین ببریم کارتان در تقلبات در حوزه^۴، و روزنامه‌ی
به آقای غفاریور مربوط است. ماقبل جمهوری اعلام جرم کردیم.

دروغیردازیهای

پور
ن
ن و

س را به رسانی دری . جدی از
شیئند ؟
ای مکرر
دادگاه
باشد
ترنیست
برادر
دعوت
ید ؟ در
یازی به
شما از
هدیین

مطالبی که در روزنامه‌ی جمهوری
امروز نوشته شده بود کذب
می‌گشت، مرا به درون یک سلوپ بردن
فردایش یعنی روزیکشیه حدود ظهرمرا استشهاد مردم را چاپ کردند. که
به پیش رعیس زندان زنان (گویا) خانم در حوزه بسیار خلوت بود، چندنفر
شیرازی بردنند. وی اسم و فامیل و شغل رای میدادند و بقیه مسئول بودند و
اهتمام هرا پرسید. سپس شماره ۴۷ آنها بعد از اینکه ما را در سعدآباد
را به گردنم انداختند، و عکس بند نگداشتند خودشان به جمع
برداشتند من به خانم اعتراض کردم و آوری استشهاد برداختند. بخصوص کنم
گفتم که حرا هرا در این بند گذاشته‌اید داد میزند آنها صندوق دزدیده‌اند
در ضمن وی گفت روزنامه هم می‌توانی بدون شک آنان از آشناهای محظی
بخوانی ولی برای ما نیاورندند.

توصلہ حیث نظر دا

نسبت به مجاہدین رانداری از قضای سنجوئی آمد بعد شووع به بحث راجه به شب آقای کچوئی برای بازجوئی ضبط نیز گواهی است که بقید در صفحه

سیاری از سه در محسین ساعت رای دیری با صرب و سم از حورمه خراج گردیدند، نداشتند. و انتگهی می‌دانید مطابق آماری که تاکنون از راهگانهای ارائه شده است، میزان رای مجاهدین علی ایران از تخفیف دفتر هماهنگی مردم با ریاست جمهوری نیز بسیار پائین تر راسیاب شگفتی اغلب مردم تهران است. و درست به همین دلیل ما در خاتمه‌ی روز رای گیری و پس از مشاهده‌ی تقلبات فراوان تقاضای تجدید ننتخابات تهران را از ریاست جمهوری نمودیم.

۴- جو اختلافات و وگانگی‌های زیانبار حزبی و گروهی به شدت بر علیه مجاهدین خلق ایران که به اغلب احتمال سرمنشاء آنها مستله ننتخابات است، دامن زده می‌شود.

۵- رادیو و تلویزیون در تحریک توده‌های ناآگاه، آنهم در چنین شرایط حساسی نقش بسیار خطوانگی به عهده گرفته و فارغ از همه عواقب و خیم سیاسی و اجتماعی، همچنان به سمپاشی برعلیه ما ادامه

ی دهد. منجمله در فاصله‌ی صبح تا ظهر روز چهارشنبه ششم آن‌جا که دویرنامه سازمان مجاهدین خلق را با پخش اکاذیب مجهود به نام مورد هتایگی و توهین قرار داده است. حال آنکه نتایج انتخابات چنین اقداماتی قانوناً ممنوع و تبلیغ سوء به شمار می‌روند از شما به عنوان عالی‌ترین مسئول اجرائی گشور می‌پرسیم. همچنان پس از شاه نیز بایستی نظیر دوران طاغوت به طور طریق وسائل ارتباط جمعی مورد طعن و لعن و هتایگی قرار گرفته شرعي و قانوني دفاع از خود نیز محروم بمانیم؟ و به راستی صحنه‌های یکجانبه دادگاه‌های گذشته را که در آنها صدای عیج جا نمی‌رسید مقدمه‌چینی نمی‌گذند؟ و آیا شایسته نیست شما در مقابل هرگفتار مجعلو و خصوصت آمیز رادیو تلویزیو حق پاسخگویی بدده؟

۶- از مجموعه اوضاع و احوال چنین به نظر می رسد که شخصی سرآن دارند که با فتنه جوئی و ایجاد درگیری و آشوب و رواج دادن عمل و عکس العمل خشونت بار افق مسالمت آشیانه را تیره و شارساخته و با همه‌گیر نمودن فضای خشونت به است یابند.

اگنون با عطف به کلیدی موارد فوق و تأکید مجدد
بیویگی قاطعانه به تمامی آنها، مجاهدین خلق ایران بدین
طلاح شخص رئیس جمهوری و فرماندهی کل قوا می‌رسانند که ب
پیشگیری از هر توطئه‌ای ضدمردمی و نفاق انتیز و ممانعت از
جدال و خونریزی ناچاری که بعداً بخواهند در برنامه‌های س
ادیو تلویزیونی مجاهدین را مستول یا بانی آن جلوه دهند
تعجب خود در سراسر کشور را نظیر دوران انتخابات ریاست جمه
ری اعلام نموده و آماده‌ایم تا نمایندگی شما را در هر ساعت
ازدید و نظرارت در این مهم بدون طی هیچ‌گونه تشریفات
اگنونی بپذیریم.

ضمانت در همین جا از کلیه هواهاران مان در سراسر گشوده پایداری اصولی و سرسختی عقیدتی اسلامی و انقلابی خود نهادت به گونه‌ای اعمال کنند که هیچ دستاوردیزی به دست مفهوم آتش‌افروزان نیفتند. و به عبارت دیگر ما برای اثبات صداقت خود و برای ختنی کردن توطئه‌های ازبیش برنامه‌ریزی ملکی برغم استقبال از مرگ پرافخار نا اطلاع ثانوی اعماق‌تقبل را مصلحت نمی‌دانیم.

لیکن بی تردید ریاست جمهوری می دانند که هیچ کس در لی الابد به صرف نظر گردن از حق دفاع شرعی و قانونی اش سفارت مجاهدین را

نامه بخش دانشجویی سازمان مجاهدین خلق ایران به نجمان اسلامی دانشگاه علوم ارتباطات اجتیاد

بسم الله الرحمن الرحيم

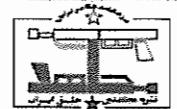
است. مگر نه اینکه ایشان تخلیمی دفتر مرکزی سابق ترتیب حمله به راهپیمایی برادر مجاهد سید محمد رام و مخصوصاً سازماندهی حمله به مراکز امداد مجاهدین و تجهیز کنندگانی داشته‌اند نهایت نکره از این اتفاقات

نه، یعنی نور سحرخانی ایشان
تهدید به پاره کردن گلوبه
موجود است؟ آیا بهتر
جنین سوابقی ایشان به جو
در بحث آزادیه انتقادی
گسترشان در مقابل خلق
و یالاقل با توجه به تقاضا
ما خود را برای شرکت در به
علنی که تمام خلق شاهد
آمده کنند؟

۳ - و بالآخره آیا
شما هم مناظره‌ای را کر
مجاهدمان مسعود رجوی
آن را کرده است تقاضا
این صورت دیگر اساسا
امثال مناظره مورد دعوی
فردی از مرکزیت سازمان و
خلق ایران نخواهد ماند .
۱ - نیزه ایجاد و مقابله با

ن نیت شما فکر می‌کنیم این روزها
اری از مدعیان بحث آزاد در واقع
مواهند از ادعای بحث آزاد به
آن سیری برای مخفی گردن چهره‌ی
سان و چmacدارانشان استفاده
که طبعاً ما حاضر نیستیم
المصالحی جنین نیرنگی باشیم .
۲ - بخصوص بحث آزاد با آقای
عفی علی که بحث آزاد تواند ته

بِ رُزْوَىٰ يَبْدِ جَوَّهْرَهُ رَأْيَهُ
وَنَفْي هَرْنَوْعَ تَهْدِي دَوْرَاعَهُ
مَيْهَمَانَ مَجَاهِدِينَ خَلْقِ اِيرَانَ - بَخْشَ
شَاهِدَ آنَ بُودَهَانَدَ كَامِلاً مُنْتَقِيَ



نامه‌ی برادر مطیوعاتی امان را در قائم‌شهر خوانده‌اید. ولابد در جریان حملات وحشیانه به آن سهر و گرگان نیز می‌باشد. آنچه که توضیح آن اکنون ضرورت دارد این است که وقتی ما گزارش را منتشر می‌کنیم، بیشتر در کلیات حوادث قرار می‌گیریم، در حالیکه وقتی وارد جزئیات ماجرا می‌شویم، مسائل جالی‌بیش روی‌ما بازمی‌شود که ابعاد فاجعه را برای ما عیان نرمی‌کند.

فی الواقع، دست یابی به جزئیات حودات است که ما را در جریان حمامه‌آفرینی‌های برادران و خواهان رزمنده، و متقابلاً رذالت‌های شرمی‌های عناصر مرتاج قرار می‌دهد. گو های نزدیک مجاهدین در اغلب نقاط کشور، خود به نحوی از نزدیک با کیفیت برخورد چmacداران و مهاجمین آشنا هستند، ولی تشریح جزئیات برخی از آنها، برای افشاء و دست یابی به ماهیت واقعی مهاجمان ضروری است. از گزارشاتی که توسط برادران و خواهان خود، از گرگان برایان ارسال داشته‌اند، گزارشی داشتیم از خواهر قریشی که

"تاستاد را به ما بر نگردانند من به تهران نمی‌روم"

بپرند. آتش تا صبح از پس بدنم درد می‌کرد نتوانستم بخوابم، روی شکم، کمر و بازوها یم جای جوب بودو فردا چونکه قرار بود دوباره به بیمارستان حمله کنند، دکترهای جنبش مرا به خانه‌آوردند و معالجات را در خانه انجام دادند، تا اینکه دکتر گوش گفت که پرده‌ی گوش من باره شده و برای درمان بهتر است به تهران بروم".

یکی از برادران که در تهران به عیادت این خواهر رفت بود، در جواب این سوال که، خواهر تو که شدیداً زخمی هستی و وضعیت خطرناک است، چرا زودتر به تهران نیامدی، در جواب گفتہ بود "بجهای زیاد اصرار می‌کردن و لی من گفتیم تا ستدمان را پس ندهند من به تهران نمی‌روم....."

و براستی ما به وجود جنین خواهان شیرزن و قهرمانی می‌بایم و وقتی از حمامه‌آفرینی‌های آسان مطلع می‌شویم هر لحظه به پیروزی انقلابیان امیدوارتر می‌شویم.

خدایارشان باشد.

بردن زخمی‌های ما آمده بود، شیشه‌ی کشیدند، دوباره ببهوش شدم، یکی از صاحب‌خانه‌ها را شکسته بود، دیگر باتفاق دودخترش و داماد و همسایه‌ها آمبولانس نمی‌آمد تا بالاخره بشان مرا به داخل حیاط کشانیدند خواباندند و به بیمارستان پنجم‌آذر و به آنها قول دادند که اگر بهوش آدمد، مرا به آنها تحویل بدهند".

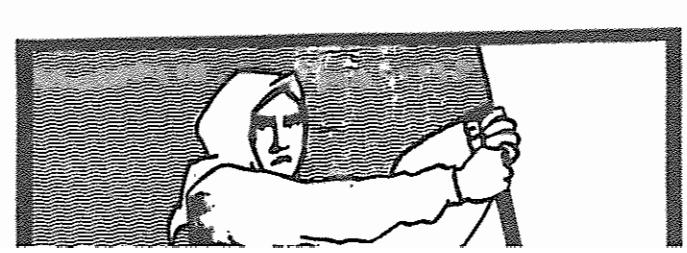
این خواهر در ادامه‌ی گزارش خود می‌نویسد، در مدتی که من ببهوش به ما خبر داده بودند که مرجعین در جلوی بیمارستان اجتماع کردند، بودم، برادری که شاهد حال و وضع من بود، از کوچه‌های پشت جنبش نیز دوباره در داخل اورزان به من به سرعت برایم دکتری آورد. البته دکتر نیز در بین راه از تک در امان حمله کردند، که دکتر رضائی نگذاشت و مرا به آنها نداد. سرم را بخیه کردند و چون فشارم پائین بود و خون زیادی نیز از سر و دماغ و گوش رفت بود، مرا بسترده بودند. هریار که آنها قصد حمله به داخل بیمارستان را داشتند، دکتر رضائی مکرری به بیمارستان کرد، و حتی تلفن کرد به اقوامشان که آنها بروند آمبولانس بیاورند - چون تا از میان آنها به یک همان‌طور که مرا

چوب به شکم می‌زدند، تعداد آنها خیلی زیاد بود و من نمی‌توانستم از گفته بودسم مهاجمین او را از طبقه‌ی دور گردش انداختند و مرا روی برانکار زمین می‌کشیدند، در حالیکه لباس را هم یاره کرده بودند و ساعتم را آمد، می‌نیزد "در حدود ساعت ۳ یا ۴ یکی از آنها از دستم کشید و برد توی صورتم کشیده می‌زدند بطوریکه حس کردم از گوش چشم و دماغ هم خون می‌آید، بعد مرا که این بار رمی‌نشاشم بردن در داخل یکی از ساختمان‌زدند، من و چند تازخواهان و برادران در داخل یکی از ساختمان‌های نزدیک مجاهدین را آتش نیز موتور بیاورند و مرا ببرند، آنها مرا شناخته بودند شدیم، که آنها از دختر عممه‌ی حسن‌محمدی عضو از مجاهمین هستم، چون می‌گفتند تا حسن را به ما تحویل ندهند تصور اکنم و آنها نیز مرا از همان بالا به پائین انداختند و من ببهوش شدم، وقتی بهوش آدمد احسان کردم سمت راست بدم به شدت درد می‌کند و آنها با میله‌ی آهنی به قسمت چپ سرم زدند، که از سرم خون آمد، و با

بقیه‌ی از صفحه‌ها

زن در مسیرو رهائی

از آنچه زنان نیمی از انسانهای جامعه را تشکیل میدهند پیروزی انقلاب بدون شرکت فعالانه زنان تصوری عبث و بیهوده‌ای است



ما نیز باید بادقت این مقالات را مطالعه کنند تا تئوری و عمل خود را در این زمینه ارتقاء دهند.

(۱) در سالهای قبل، بدليل فقدان جو انتقلابی و حاکمیت دیکتاتوری و نیز سلطه‌ی همه جانبه اندیشه‌های ارتجاعی یا نمی‌شد از تساوی زن و مرد سخن گفت و یا اگر هم گفته می‌شد زمینه‌ی اجتماعی کافی برای گسترش دهید. همچنین سوالات و پیشنهادات، گزارش‌های مستند از فعالیت‌های مختلف اجتماعی سیاسی، زنان را حتی‌الامکان با عکس برای نشریه‌ی مجاهد بفرستید و در روی یاکت بنویسید مربوط به "زن در مسیر رهائی".

(۲) غلط‌ترین برخورد با این سلسله مقالات این است که تصور شود آنها صرفاً مربوط به زنان است، در حالیکه مسئله‌ی بوسیلهٔ کامل مساعد شده است.

برخوردی که با هر نوع تبعیض اجتماعی در جهانی بینی توحیدی می‌شود و آن نفوی تبعیض است در جهت برقراری وحدت و برایری. همچنانکه می‌دانیم توحید ناب مخالف هر نوع تبعیض طبقاتی، نژادی، ملی و جنسی است. بنابراین نمی‌تواند تبعیض بین زن و مرد را به عنوان یک امر مقدس قبول کند و برآن صحه بگذارد. (۱۰)

امروز جامعه‌ی ما در مقطع حساسی از تاریخ خود به سر می‌برد و به واقع ما در روزهایی زندگی می‌کنیم که سالها و سالها در انتظار آن بوده‌ایم. یعنی روزهای جوشش انقلابی خلق، روزهایی که نیروهای انقلابی و توده‌هایی به پا خاسته‌ی مردم فعالانه در جهت نابودی نظام کهنه و پایه‌گذاری ایرانی‌آزاد و آباد گام است.

اگر به سایر جوامع بشری توجه کنیم در خواهیم یافت که حتی در جوامع انقلابی هم علیرغم تمام پیشرفت‌هایی که زنان در زمینه احرار حقوق نسبتاً برابر با مردان کرده‌اند هنوز بخصوص در زمینه‌ی سیاسی در حاشیه‌ی جریانات قرار دارند. در سایر جوامع، چه جوامع

برای سریعی مجاهد بفرستید و در روی پاک بنویسید مربوط به "زن در مسلحه" چریکی پیشتر و نیز قیام شکوهمند خلق ایفا کردند زمینه اجتماعی بررسی نقش زن در جامعه و ارائه یک دیدگاه توحیدی، به دور از تبعیض در این زمینه کاملاً مساعد حالیکه مسئله مربوط به زنان است، در اجتماعی است و بنا براین برادران شده است.

(ادامه دارد)

بقیه /صفحه ۲

گزارشی از ۳ روز بازداشت غیرقانونی یک خبرنگار مجاهد



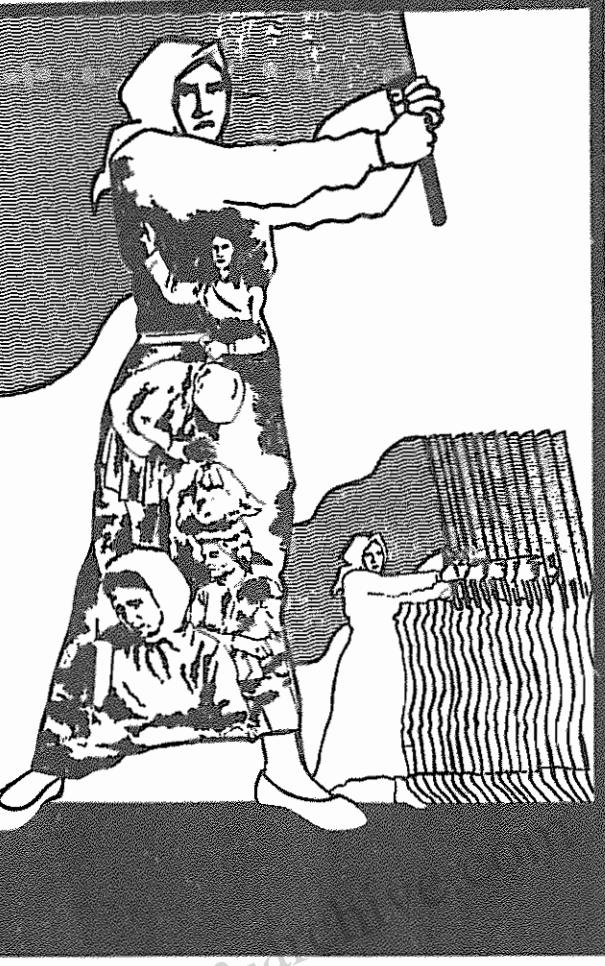
روزنامه معلوم الحال

که حکایت دعوا را شروع کردند افراد کمیته و سپاه پاسدار به ماحصله کرده اند یا ما به آنها؟! نوشتند این عده که شامل عنفر یک چریک فدائی و ۵ مجاهد از جمله مهدی حلالیان عضو تحریریه نشریه هفتگی و دیگر حوزه ها که بوده ایم. مجاهد بوده اند با مداخله مردم ۲ - هنگامیها - کنک زدن دستگیر و در بازجویی اعتراف می کنند خبرنگار و دستبند زدن بدست برادران که در یک دکان خالی نجاری مشاجره توسط مسئولین حوزه و پاسداران آنجا ساختگی راه انداختمی و نوار برداشتم ۳ - بازداشت بدانان و تهمت آنها مبنی بر زدیدن ویکی از استشهاد کنندگان نوشته پاسداران و تهمت آنها مبنی بر زدیدن است.... موضوع خشن و خسین هر سه صندوق رای. دختران مغایه بوده اند: می پاشند. ۴ - هنگامی و تهمت از جانب ۱ - آنها برونده می را با دونفر آقای احمد قدیریان و پاسدارش دیگر که در میدان فردوسی دستگیر شده ۵ - حواله دادن ما از کمیته به و با ما از دادرسی به اوین آمده بودند اوین - از آنجا به دادرسی، از دادرسی یکی کردند! به وزارت کشور و سپس به اوین و سپس ۶ - ما هواداران مجاهدین خلق به دادگستری بدون اینکه حکم (به جز بوده ایم و نه عضو. در مرور آقای میرسلیم معاون وزارت ۷ - مهدی حلالیان خبرنگار کشور) نشان داده شود دیگر اینکه بدانیم مجاهد بوده و نه عضو هیئت تحریریه برای چه به این مکانها می رویم عین ۸ - ما فرار نکرده بودیم که با محموله ای با ما رفتار شده. مداخله مردم دستگیر شویم. ۹ - علیه آقای کجوانی و سایر ۱۰ - ما این مطالب را اولین بار مسئولین که ما را در بند و سلولهایی در روزنامه خواندیم و آن را ندیده که افراد فاسد و مفسدی اراضی بودیم چه رسد به اینکه اعتراف کرده بوده اند زندانی کردند باشیم. ۱۱ - نوشته استشهاد کننده کذب دروغ بردار زن روزنامه جمهوری اعلام جرم نموده تقاضای رسیدگی زهی و قاحت و پیشمری بر روزنامه فوری داریم. ۱۲ - علیه نویسنده خواستار مسترد کردن نوار ضبط شده امان توسط پاسداران می باشیم. چرا که در جمهوری اسلام جرم نموده است قبل از مقامات مربوطه دادگاه مدرک قابل استناد ما خواهد

اعلام جرم

علیه نویسنده دروغ بردار بود.

با احترام....



بشناسیم چرا که شناخت و آگاهی مبنای آزادی از قید و بندها و جبرهایست. پس از دستیابی بهیک شناخت همه جانبه می توان شیوه های صحیح مبارزه هی همه جانبه با این تبعیفات را ارائه کرد، و سپس با اتفاقاً به این شیوه ها در صحنه اجتماعی اشاره کردیم واقعیت این است که انواع و اقسام تبعیفات مبارزات اجتماعی صفو زنان را در جریان باصطلاح آنها را سازمان داد تا تبعیف هایی که مانع رشد و تکامل زنان و قرار گرفتن آنها در موضع استئمار یعنی عامل اصلی تبعیفها، تبعیف جنسی را نیز نموده به تساوی حقوق زن و مرد دست یابند. ما در شماره بعد ریشه های تاریخی شکل گیری تبعیف جنسی را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

در اینجا لازم است قبل از ورود به بحث اصلی چند نکته برای شکوفایی استعدادهای آنها بدون شک در اولین گام باید عمیقاً" ریشه ای این جبرهای بازدارنده را توجه قرار گیرد:

نظم های طبقاتی و سیستم های شرک مانع اصلی رشد و تکامل زنان

بدون شک تداوم انقلاب و به ثمر رسیدن هرچه بهتر آن در جوهر خود محصل شرکت هرچه فعالتر و گستردگر و همچنانه تر توده های آگاه شده در امر انقلاب است. از آنجا که زنان نیمی از انسانهای جامعه را تشکیل می دهند، تصور یک انقلاب واقعاً پیروز بدون شرکت فعالانه زنان تصور عیش و بیمهوده است. اگر بتوان تصور کرد که یک انسان قادر خواهد بود راهی را فقط با یک پا طی کند در آن صورت حرکت مستمر جامعه در مسیر تکامل بدون شرکت زنان هم قابل تصور خواهد بود.

بخصوص امروز یعنی در قرن بیست و پن از ظهور طبقی انقلابی کارگر در صحنه جامعه انسانی، یعنی طبقه ای که تاریخاً مصمم است ضربه های نهایی را به استثمار یعنی ریشه های تمام تبعیفات وارد آورد، بهترین فرصت برای بیکار در زمینه های نفی تبعیف جنسی، نیز فراهم آمده است. (در این زمینه بعداً بیشتر سخن خواهیم گفت.) بربایه طرز تلقی فوق است که ما تلاش خواهیم کرد با ارائه یک سری رهنمودها، زنان به پا خاسته خلق مان را در مسیر احرار نقش تاریخیشان در صحنه جامعه یاری کنیم. چرا که یک سازمان انقلابی بدون داشتن دیدگاه مشخص در زمینه مسئله زن و نقش تاریخی او هرگز نمی تواند ادعای رهبری یک حركت عمیق و انقلابی در مبارزات متابه یک قانون علمی و یا حقیقت الهی جلوه می دهد. این طرز تفکر به اشکال و صور گوناگون چنان ریشه های عمیقی دارد که حتی بسیاری از زنان درجه دو بودن نقش خود را به عنوان یک عقیده صحیح پذیرفته اند و نخست به دلیل برخورداری از چنین طبیعی است که پذیرفته شدن چنین بینی توحیدی و با اعتقاد به تساوی اندیشه ای، میدان هر نوع مبارزه در حقوق زن و مرد، پیوسته تلاش کرده در این زمینه نقش انقلابی خود را خواهد برد.

۲ - با واقعیت تبعیف بین زن و مرد به شکل دیگری نیز می توان برخورد کرد و آن برخوردی است به نظر ما واقعگرایانه و توحیدی. یعنی

برخورد های گوناگون با مسئله زن

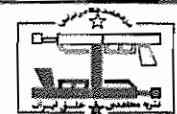
با واقعیت اجتماعی تبعیف بین زن و مرد دوگونه می توان برخورد کرد:

۱ - برخورد کسانی که این واقعیت را می بینند و به عنوان یک امر طبیعی و لازم می پذیرند و حتی گاهی آن را با توجیهات گوناگون به متابه یک قانون علمی و یا حقیقت الهی در زمینه مسئله زن و نقش تاریخی او هرگز نمی تواند ادعای رهبری یک حركت عمیق و انقلابی در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد استثماری خلق را داشته باشد و سازمان ما از روز نخست به دلیل برخورداری از چنین بینی توحیدی و با اعتقاد به تساوی اندیشه ای، میدان هر نوع مبارزه در حقوق زن و مرد، پیوسته تلاش کرده در این زمینه نقش انقلابی خود را ایفا نماید.

۲ - با واقعیت تبعیف بین زن و مرد به شکل دیگری نیز می توان برخورد کرد و آن برخوردی است به نظر ما واقعگرایانه و توحیدی. یعنی

سیم در حواهیم یافت ده حی در جوامع انقلابی هم علیرغم تمام انقلابی خلق، روزهایی که نیروهای انقلابی و توده های به پا خاسته مردم فعالانه در جهت نابودی نظام کهنه و پایه گذاری ایرانی آزاد و آباد گام بر می دارند. سایر جوامع، چه جوامع سرمایه داری و چه کشورهایی عقب مانده وضع زنان واقعات اسف بار خود محصل شرکت هرچه فعالتر و گستردگر و همچنانه تر توده های آگاه شده در امر انقلاب است. از آنجا که زنان نیمی از انسانهای جامعه را تشکیل می دهند، تصور یک انقلاب واقعاً پیروز بدون شرکت فعالانه زنان تصور عیش و بیمهوده است. اگر بتوان تصور کرد که یک انسان قادر خواهد بود راهی را فقط با یک پا طی کند در آن صورت حرکت مستمر جامعه در مسیر تکامل بدون شرکت زنان هم قابل تصور خواهد بود.

با براین می بینیم که نه تنها در جامعه ما، بلکه در سراسر جهان هنوز که هنوز است زنان عملاً" به صورت انسانهای درجه دو در نظر بیست و پن از ظهور طبقی انقلابی کارگر در صحنه جامعه انسانی، یعنی طبقه ای که تاریخاً مصمم است ضربه های نهایی را به استثمار یعنی ریشه های تمام تبعیفات وارد آورد، بهترین فرصت برای بیکار در زمینه های نفی تبعیف جنسی، نیز فراهم آمده است. (در این زمینه بعداً بیشتر سخن خواهیم گفت.)



موده و مجاهدین

سال نووقتی "نو" است که همراه ملازم با پذیرش رسالتها و مسئولیت‌های جدید تردد را می‌برازد اجتماعی در راه راهای خلق و رضای خالق باشد

برادر س. س. از تهران انتقاد کرد است که نوار سخنرانی کامل برادر مجاهدمان مسعود رجوی در رشت با آنچه که ما در شماره ۵ فوق توطئه‌های کنیفی که به سردمداری حزب معلوم الحال جمهوری علیه ما بیهار نو و سال نو چه وقت می‌توانند به واقع "نو" بانند؟ اگر نباید به نقش تعیین کننده خودتان در کشف این قبیل توطئه‌ها کم بهای دهید. واقعیت قضیه بسیار مشتمز کننده و در عین حال روشن است.

کنیفیم. برادر کشاورزی به نام خ. ق. از یکی از روستاهای خرم‌آباد مبلغ چهل تومان بول نقد برایمان فرستاده و در نامه‌اش نوشت: "خیلی در دل داریم، وقتی نوار سخنرانی برادر مجاهد مسعود رجوي را به اسم آینده انقلاب گوش کردیم، حس کردیم که واقعاً مسلمان واقعی‌هستید و من و دوستان و فامیل - هایم و خلاصه تمامی این روستا طرفدار شما هستیم. من این ۴۵ تومان را به خدا قسم بول خرجی و نفت و قند و چائی بوده برایتان می‌فرستم چونکه شما طرفدار ما هستید". نامه‌ی دیگری به همراه قضیی به مبلغ پنجاه هزار تومان برایمان رسیده و برادر فرستنده بدون اینکه نام خود را هم بنویسد در چند کلمه برایمان نوشت که چه خوب بود به نحوی از رسیدن بول مطلع می‌شد. فروتنی این برادر عزیز

مسئولیت این برادر عزیز، ذکر چند نکته در رابطه با این قبیل مسائل ضروریست. اول اینکه به ابعاد مقاومت روزهای سرد زمستانی پیروز شد و بهار فرارسید. براستی از نظر توطئه‌های کنیفی که به سردمداری حزب معلوم الحال جمهوری علیه ما بیهار نو و سال نو چه وقت می‌توانند به واقع "نو" بانند؟ اگر نباید به نقش تعیین کننده خودتان در این راه از رسالتها و مسئولیت-هایی که به عهده دارند بازشناسم، و اگر معیارمان "تعهد و مسئولیت" باشد، پاسخ این مسئله هم روشن می‌شود. سال نو وقتی "نو" است که از جمله با یزیرفت تتعهدات جدیدتری که الزاماً بیشتر و عمیق‌تر بازشدن مج‌بسیاری از اسلام‌پنهان و آگاه شدن توده‌هایی که یک چند بنابراین اکنون که در اولین هفته سال نو هستیم از خود سوال کنیم چه مسئولیت‌های جدیدی را برای خود تدارک دیده‌ایم. اکنون با تغییر و تحول اوضاع اجتماعی و سیاسی نیروهای انقلابی و به خصوص ما می‌باشد. در این راه آنها و سایر همپالگی‌های شان از هیچ تهمت و افترا و اقدام خبیث‌های ابانی کنند. در این میان ما شهادت‌های خود را داریم و پیش‌تر شدن مدام شرایط و اوضاع و احوال، رسالت سنگین و مبارز جیست؟ اگر این "رسالت جدید" را درک نکرده‌ایم و یا نیافتاهمی بهتر است از سال "نو" هم حرفي نزنیم. چرا که در این تمهذات و رسالت‌های زدن این این توطئه‌ها ما را یاری کنید. ما نه اهرم‌های قدرت حاکم را در دست داریم، نه بول و امکانات غصب شده خلق را به یغما برده‌ایم و نه بودجه‌های آنچنانی در اختیار-مان می‌گذارند. هیچیک از اینها را نداریم ولی شما را داریم. و این برای ما بس گرانقدر است، به یک شرط اساسی و آنهم اینکه شما رسالت‌ها و مسئولیت‌های خود را درک کنید ارزش خود را بدانید و ایمان داشته باشید که اقدامات تک‌شک شما عزیزان هفته به دلیل تعطیلات نوروزی

خواهان و برادران عزیز بالاخره سال نو، علیرغم مقاومت روزهای سرد زمستانی پیروز شد و بهار فرارسید. براستی از نظر توطئه‌های کنیفی که به سردمداری حزب معلوم الحال جمهوری علیه ما بیهار نو و سال نو چه وقت می‌توانند به واقع "نو" بانند؟ اگر انسان‌ها را از رسالتها و مسئولیت-هایی که به عهده دارند بازشناسم، و اگر معیارمان "تعهد و مسئولیت" باشد، پاسخ این مسئله هم روشن می‌شود. سال نو وقتی "نو" است که از جمله با یزیرفت تتعهدات جدیدتری که الزاماً بیشتر و عمیق‌تر بازشدن مج‌بسیاری از اسلام‌پنهان و آگاه شدن توده‌هایی که یک چند بنابراین اکنون که در اولین هفته سال نو هستیم از خود سوال کنیم چه مسئولیت‌های جدیدی را برای خود تدارک دیده‌ایم. اکنون با تغییر و تحول اوضاع اجتماعی و سیاسی نیروهای انقلابی و به خصوص ما می‌باشد. در این راه آنها و سایر همپالگی‌های شان از هیچ تهمت و افترا و اقدام خبیث‌های ابانی کنند. در این میان ما شهادت‌های خود را داریم و پیش‌تر شدن مدام شرایط و اوضاع و احوال، رسالت سنگین و مبارز جیست؟ اگر این "رسالت جدید" را درک نکرده‌ایم و یا نیافتاهمی بهتر است از سال "نو" هم حرفي نزنیم. چرا که در این تمهذات و رسالت‌های زدن این این توطئه‌ها ما را یاری کنید. ما نه اهرم‌های قدرت حاکم را در

البته اکثر کارگران آگاه و مبارز چاپخانه‌ها در امر چاپ نشریه نهایت همکاری را با ما دارند. است این دلیل است که در بعضی چرا که در این تمهذات و رسالت‌های زدن این این توطئه‌ها ما را یاری کنید. ما نه اهرم‌های قدرت حاکم را در دست داریم، نه بول و امکانات غصب شده خلق را به یغما برده‌ایم و نه بودجه‌های آنچنانی در اختیار-مان می‌گذارند. هیچیک از اینها را نداریم ولی شما را داریم. و این برای ما بس گرانقدر است، به یک شرط اساسی و آنهم اینکه شما رسالت‌ها و مسئولیت‌های خود را درک کنید ارزش خود را بدانید و ایمان داشته باشید که اقدامات تک‌شک شما عزیزان هفته به دلیل تعطیلات نوروزی

از ۵ برابر هر یک از آنان، مخصوصاً روزنامه‌ی معلوم‌الحالی که می‌خواست ۵ ستونش را به ما صدقه بدهد!! از هرگونه امکانات چاپی محروم است. تصور کنید نشریه‌ای با تیراژ مساوی بزرگ‌بیو و تلویزیون و جمیع مطبوعات، حبس و یا حتی اعدام ترین روزنامه‌های کشور بخواهد سه‌هزار مجاهدین و مبارزینی که اقدام به پخش حقیقت از اعلایمی افشاگری بر خوانندگان برسد و از امکانات چاپی علیه رژیم می‌کردد، جلوگیری از مخصوص به خود محروم باشد. با چه مشکلاتی دست به گریبان خواهد بود؛ مشکل کاغذ، مشکل عدم همکاری از دستگاه سلطنت و شستشوی مغزی مردم، ترتیب دادن مصاحبه‌های تمام روزنامه‌های دیگر) ... ما در بعضی مواقع برای اینچنانی با عناصر سازشکار برای ایجاد دلسوزی نشیوه به موقع به دست خوانندگان برسد حتی مجبور شدایم یک‌نشیریده به طور همزمان در چندین چاپخانه‌چاپ کنیم و باز هم تیراژ مورد نیازمان را به مانداده‌اند. نتیجه‌ی این همه‌توطئه‌ها چه شد؟

زیرا به دلیل تراکم آگاهی‌ها و تجربیات انسان، هر زمان تحولات شتاب بیشتری می‌گیرند به عبارت دیگر اگر شرایطی عینی (وجود تضادها و ریشه را در زباله‌دان تاریخ افکند؟ آیا رژیم شاه همه‌ی مطبوعات به جز می‌رسد.

۲- حمل و نقل به طور همانگ با افزایش پی قانونی اعلام نکرد؟ مگر در همین زمان انقلاب شاهد آن نبودیم که به گیری توطئه‌ها برای سنگان‌دادخشن در کار حمل و نقل مجاهد بوده‌ایم:

قضیه سوزاندن ۶۰۰۰۰ نشریه مجاهد را همه بیاددارند. هم‌اکنون همان مسئله به شکل دیگری در جریان است. بنا به گفته عدادی از می‌کرددند" مامورین حکمت نظامی به آنها حمله نموده، آنها را تعطیل و هیئت تحریریه و کارمندانش را دستگیر می‌کرند؟

چرا؟ ینطور فتاوی می‌گردند؟ در دوران ما به دلیل نقش مهمتر همین عنصر است که انقلابات عظیم اجتماعی با سرعت بی‌سابقه‌ی تحقق می‌یابند. و به همین خاطر دیگر

افزایش بی‌نظیر تیاراً نشریه مجاهد و وحشت واپسگرایان

ما برای رفع مشکلات چاپی و حمل و نقل و توزیع نشریه مجاهد از همه‌ی هواپارانمان کمک می‌طلبیم.

در طول تاریخ، مبارزه ارتباط جمعی (که کلاً در غصب آنان از طبقات ستمگر و ستمدیده بود) نبودیم؟ مگر زندگانه سوزاندن (استشمارکننده و استثمارشونده) و نتیجتاً انقلابات اجتماعی پیوسته جریان داشته‌اند. درتحقق این مبارزات و انقلابات "شرایط عینی" و "شرایط ذهنی" هردو نقش داشته و دارند. اما به تدریج عنصر آگاهی (شرایط ذهنی) نقش مهمتری در تحولات ایفا کرده و خواهد کرد (در اینجا بایستی به اهمیت نقش انبیاء توحیدی توجه کنیم. صرف‌نظر از تمدن مسائل مکتبی و... آنها درست در شرایطی که انسان هاکمترین امکان آگاهی و نتیجتاً زمینه‌ی انقلاب را داشتند در پرتو وحی پرچم رهایی بخشند و جانشانی‌های انقلابی خود در مرحله‌ی بسته‌های تاریخ را شکستند و بدین ترتیب تاثیر بس عظیمی بر مسیر تکامل جامعه‌ی بشری گذاشتند).

زیرا به دلیل تراکم آگاهی‌ها و تجربیات انسان، هر زمان تحولات شتاب بیشتری می‌گیرند به عبارت دیگر اگر شرایطی عینی (وجود تضادها و ریشه را در زباله‌دان تاریخ افکند؟ آیا رژیم شاه همه‌ی مطبوعات به جز می‌رسد.

۲- حمل و نقل به طور همانگ با افزایش پی قانونی اعلام نکرد؟ مگر در همین زمان انقلاب شاهد آن نبودیم که به گیری توطئه‌ها برای سنگان‌دادخشن در کار حمل و نقل مجاهد بوده‌ایم:

قضیه سوزاندن ۶۰۰۰۰ نشریه مجاهد را همه بیاددارند. هم‌اکنون همان مسئله به شکل دیگری در جریان است. بنا به گفته عدادی از می‌کرددند" مامورین حکمت نظامی به آنها حمله نموده، آنها را تعطیل و هیئت تحریریه و کارمندانش را دستگیر می‌کرند؟

چرا؟ ینطور فتاوی می‌گردند؟ در دوران ما به دلیل نقش مهمتر همین عنصر است که انقلابات عظیم اجتماعی با سرعت بی‌سابقه‌ی تحقق می‌یابند. و به همین خاطر دیگر

می فرستم چوشه شما طرفدار ما هستید". نامه‌ی دیگری به همراه نداریم ولی شما را داریم. و این قبضی به مبلغ پنجاه هزار تومان برایمان رسیده و برادر فرستده بدون اینکه نام خود را در کلمه برایمان نوشته که جه خوب بود به نحوی از رسیدن بول مطلع می‌شد. فروتنی این برادر عزیز ما را شرمende کرده است. آرزوی کنیم صداقت روتاستی برادر خرم آبادی‌مان در کنار فروتنی انقلابی این برادر تهرانی ما را در انجام تعهدات مکتبی‌مان موفق گرداند. خواهri از خوی به نام ع.ع.ع: مبلغ ۲۰۰۰ تومان بول برایمان فرستاده‌اند و خواستار شده‌اند که از این مقدار ۱۰۰۰ تومان را برای سیل زدگان اهواز بدheim.

دریاره توشتی مجاهد سماره ۲۶ "اگر مدرکی هست جرا ارائه‌نمی‌دهی" برادری در رابطه با جوابیه "حزب مجاهدان جنگل" تعدادی مد رک برای ما فرستاده‌اند ما ضمن تشرک از این برادر می‌خواهیم همچنان که می‌توانید برایمان به صورت روشن و قابل استفاده بفرستید تا ما هم آنها را در اختیار خلق قهرمان‌مان بگذاریم.

مان می‌دارند. هیچیز از اینها را خود را پیدا کرده‌اید برایتان آرزوی موقوفیت می‌کنیم و به راستی سال نو شرط اساسی و آنهم اینکه شما رسالت‌ها و مسئولیت‌های خود را درک کنید ارزش خود را بدانید و ایمان داشته باشید که اقدامات تک‌تک شما عزیزان چقدر برای ما مهم و با ارزش است. شما با هر اطلاعی که در مورد این قبیل توطئه‌ها به ما بدهید، شما با هر اقدام فعلی که در این مورد بکنید در واقع پاسخ خودتان را به تمامی توطئه‌های بی‌شماره‌ای که برای ما و جنبش خلق‌مان تدارک دیده‌اند داده‌اید. از این نظر از شما می‌خواهیم ما را در کشف‌وافسای این قبیل توطئه‌ها کمک کنید. کمک کنید تا دست افرادی را که رعایت هیچ گونه اصل مکتبی و عقیدتی و حتی اخلاقی را نمی‌کنند بازکنیم. یقین داریم بسیج شما عزیزان سال نو را تبدیل به سال مرگ ارتجاج خواهد کرد. تذکر می‌دهیم که در این رابطه عکس، سند، آدرس و... هرچه را که می‌توانید برایمان به صورت روشن و قابل استفاده بفرستید تا ما هم مدارک را برای دادستان تهران و محکم قانونی نیز بفرستند.

کمیر اینکه مطبوعات دست از پاخته کار حمل و نقل مجاهد بوده‌ایم: قضیه سوزاندن ۵۰۰۰ نشیوه مجاهد را همه بباید اند. هم‌اکنون همان مسئله به شکل دیگر در جریان است بنا به گفته نعدادی از کارمندان گاراژها برخی از کمیته‌ها به آنان دستور داده‌اند که از حمل نشیوه مجاهد (و فقط مجاهد) به شهرستان‌ها خودداری کنند. به همین دلیل گاراژها یا صریحاً ح. الف از شهران برایمان نامه‌ای نوشته‌است. این برادر که متأسفانه نه نام و نه آدرس را کامل نوشته است در نامه‌اش از جایخانه‌ای واقع در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر نام می‌برد که در یکی از روزهای گرم قانون اساسی رای نداده‌اید ما نشیوه تان را حمل نمی‌کنیم!! و یا اگر هم بپذیرند اعتباری ندارد که بار شا به قانون اساسی رای نداده‌اید ما نشیوه انتخابات شخصی وابسته به حزب حمایه‌ی وارد آنچا می‌شود و ضمن صحبت با مدیر جایخانه در مورد چاپ یوسترهای تبلیغاتی حزب از او مقصود برسانند. بارها و بارها شده که ما نشیوه را به یک گاراژ تحويل داده و بارنامه گرفته‌ایم ولی به دنبال آن مرتب از شهرستان مقصود گرفته‌اند که نشیوه از نزدیک شدن مسیحی ابریشمچی را نیز چاپ کند. مدیر ابتدا قول نمی‌کند ولی بر اثر اصرار شخص مزبور حاضر به اینکار می‌شود. ضمن تشرک از احساس

نقاط مختلف شهر بیرون. گاهی موضع به علت اشکالات چایخانه و نیز کبود امکانات حمل و نقل ما نشیوه‌ی حتی چهار پنج ساعت دیر رسیده ولی در تمام این مدت همه این خواهان و برادران با روحیه‌ای مصمم بدون کوچک‌ترین تردیدی در انتظار ایستاده‌اند و به جای اینکه ما از آنها عذر بخواهیم آنها به ما پشتگرمی می‌داده‌اند.

همه مردم شاهد آن هستند که همین خواهان و برادران پس از تحويل گرفتن نشیوه از صبح تا شب در سرمای شدید (و حتی زیر برف و باران) به فروش نشیوه مشغول بوده و هیچ مانع آنها را از کارشان باز نداشته‌اند. حتی نمونه‌های داریم که سه چهار نفر فالانز چاقوکش به یک خواهر می‌لبیشای فروشند نشیوه "مجاهد" حمله کرده و او را مجرح کرده‌اند و او بلاfacله پساز النیام زخم‌ها به کار خود ادامه داده است. پس آیا ارجاع با دیدن این صحنه‌ها حق ندارد و حشمت کند؟ پیغمده رصفحه ۷

پس دادند. چندین بار ایستگاه قطار اهواز از تحويل دادن نشیوه‌ای که به آنچا ارسال شده بود به بهانه اینکه بارنامه همراه آن نیست و یا به مثلا برادری پساز کنک خوردن نشیيات پاره شده را در دستش گرفته بود؛ فردی که از آنچا رد می‌شد فوراً همه کاغذپاره‌هارا به عنوان نشیوه می‌خرد.

مادری هر صبح که نشیوه چاپ می‌شود زودتر از دیگران به همراه فرزندان کوچکش به یکی از مراکز ما رجوع می‌کند و تعداد زیادی نشیوه می‌خرد تا در محله‌شان به فروش برساند و حتی همه کیوسک‌های روزنامه‌فروش آن ناحیه را سر می‌زنند تا کیوسک‌یی مجاهداند.

راننده کرد که در حین فروش چه مجاهد در تاکسی‌ای برای فروش فحشها و کلمات رکیکی که نمی‌شوند و چه کتکهایی که نمی‌خورند. بارها شده که آنها را مفربون کرده و حدوداً یک نشیيات‌شان را پاره کرده‌اند ولی آنها با ز هم به کار خود ادامه داده‌اند. تقریباً ما هر بار گزارشات این

کمیر توپه‌ها برای سنکان‌دان خود را پیدا کرده‌اید برایتان آرزوی مفوقیت می‌کنیم و به راستی سال نو شرطی سوزاندن ۵۰۰۰ نشیوه مجاهد را همه بباید اند. هم‌اکنون همان مسئله به شکل دیگر در جریان است بنا به گفته نعدادی از کارمندان گاراژها برخی از کمیته‌ها به آنان دستور داده‌اند که از حمل نشیوه مجاهد (و فقط مجاهد) به شهرستان‌ها خودداری کنند. به همین دلیل گاراژها یا صریحاً ح. الف از شهران برایمان نامه‌ای نوشته‌است. این برادر که متأسفانه نه نام و نه آدرس را کامل نوشته است در نامه‌اش از جایخانه‌ای واقع در یکی از خیابان‌های مرکزی شهر نام می‌برد که در یکی از روزهای گرم قانون اساسی رای نداده‌اید ما نشیوه انتخابات شخصی وابسته به حزب حمایه‌ی وارد آنچا می‌شود و ضمن صحبت با مدیر جایخانه در مورد چاپ یوسترهای تبلیغاتی حزب از او مقصود برسانند. بارها و بارها شده که ما نشیوه را به یک گاراژ تحويل داده و بارنامه گرفته‌ایم ولی به دنبال آن مرتب از شهرستان مقصود گرفته‌اند که نشیوه از نزدیک شدن مسیحی ابریشمچی را نیز چاپ کند. مدیر ابتدا قول نمی‌کند ولی بر اثر اصرار شخص مزبور حاضر به اینکار می‌شود. ضمن تشرک از احساس

اکنون دلیل این همه فشار بر نشیوه "مجاهد" و طرح ریزی‌انواع توطئه‌ها بر علیه آن روش نمی‌گردد به طور خلاصه می‌توان این توطئه‌ها را در "هواز ارتجاع از نزدیک شدن لحظه‌ی زوالش" دید. برای روش تردد پاسداری کنند. این حریبه ارتجاع جیزنا آشنا نیست، ما در طول تاریخ بارها بارها و مستمرا شاهد ایجاد خفغان از جانب نیروهای میرنده برای جلوگیری از رشد آگاهی توده‌ها بوده‌ایم:

مگر سران قریش مردم را از تماس با پیغمبر پرحدار نمی‌داشتند؟ مگر طرف سازمان مجاهدین خلق و نیز زحمتکاران و مکران‌نندگان شریف و زین‌آشنا نشیوه از نزدیک شدن را در "هواز ارتجاع از نزدیک شدن لحظه‌ی زوالش" دید. برای روش تردد پاسداری کنند. این حریبه ارتجاع جیزنا آشنا نیست، ما در طول تاریخ بارها بارها و مستمرا شاهد ایجاد خفغان از جانب نیروهای میرنده برای جلوگیری از رشد آگاهی توده‌ها بوده‌ایم:

به موازات اوجگیری حمایت مردم و جذب هرچه بیشترشان به سعی نمی‌گردد که حتی صدای پیغمبر تلاش سازمان و هواداران برای بهتر رسیدن نشیوه به دست آنان روز به دیگر مانع اینکار می‌شود. در میان مسکلات زیادی را همراه خود در این مشکل (البته در حدی کمتر) در مورد قطار و هواپیما نیز با باعث می‌شود که خیلی از موقع نشیوه به موقع به شهرها نرسد و یا حتی اصلاً نرسد.

این مسکل (البته در حدی کمتر) روبرو هستیم، مثلاً بارها شد که فروودگاه ارسال "مجاهد" را به بهانه زیاده‌بودن بار به تأخیر اندامخته است بارها شد که در دروازه‌های شهرها کامیون وانتهای حامل "مجاهد" را به بهانه کوئی پرداخته بودند بعد از می‌نخایند ولی اعمال نفوذ عناصر دیگر مانع اینکار می‌شود.

در مورد قطار و هواپیما نیز با این مشکل (البته در حدی کمتر) روبرو هستیم، مثلاً بارها شد که فروودگاه ارسال "مجاهد" را به بهانه زیاده‌بودن بار به تأخیر اندامخته است بارها شد که در دروازه‌های شهرها کامیون وانتهای حامل "مجاهد" را به بهانه کوئی پرداخته بودند بعد از می‌نخایند ولی اعمال نفوذ عناصر دیگر مانع اینکار می‌شود.

۱- چاپ میوه‌چینان انقلاب که در زمان اول در اختیار داشتن همه‌ی وسائل ارتباط جمعی آن روز نشیوه نکشیدند که از قیس (نخایندگی امام حسین) سپاس گوئی پرداخته بودند بعد از انقلاب امکانات عظیم‌چاچی رژیم قبلی را (که از شیره‌ی جان خلق محروم تهیه شده بود) برای حمله به این آگاهی را که در مغز مردم (در این مبارزه‌ی امام حسین) شکل گرفته بود از بین ببرند؟

مگر در همین دوران اخیر در زمان شاه خائن و پدرش رضا خان قدر ما شاهد انواع حیله‌ها و دسایس و فشارها برای جلوگیری از آگاهی مردم مخصوصاً از طریق وسائل

چرا بینظور فتا را می‌گردند؟

واقعاً چرا این طور رفتار نظام‌های استثماری گذشته بعینه می‌گردد؟ جواب ساده‌ای است زیرا می‌دیدند که انعکاس حقایق از طریق مطبوعات یک "مجاهد" حمل نمی‌کنیم و یا می‌گویند می‌گردند. ما حتی شاهد آن روزی بیشتر طاقت‌نیاوردن نظمات انقلابی بر ویرانه‌ی سیستمهای پوسیده آزادی کامل مطبوعات را اعلام کرده‌اند که همان دستورات بشری به ویژه همان آگاهی‌ها و یا امکان دستیابی به آنها و... پیشرفته‌ترین نظمات انقلابی بر ویرانه‌ی سیستمهای پوسیده آزادی کامل مطبوعات را اعلام کرده‌اند. تجربیات که عصرما را "عصر کبیر آگاهی" نام نهاده‌اند. در مقابل نیروهای واپس‌گرد سعی دارند، مردم را در ناگاهی نگهداشته‌اند زیرا بدین طریق می‌توانند با عوام‌گردی از منافع استعمارگرانهی خود پاسداری کنند. این حریبه ارتجاع جیزنا آشنا نیست، ما در طول تاریخ بارها بارها و مستمرا شاهد ایجاد خفغان از جانب نیروهای میرنده برای جلوگیری از رشد آگاهی توده‌ها بوده‌ایم:

مگر سران قریش مردم را از تماس با پیغمبر پرحدار نمی‌داشتند؟ مگر طرف سازمان مجاهدین خلق و نیز زحمتکاران و مکران‌نندگان شریف و زین‌آشنا نشیوه از نزدیک شدن را در "هواز ارتجاع از نزدیک شدن لحظه‌ی زوالش" دید. برای روش تردد پاسداری کنند. این حریبه ارتجاع جیزنا آشنا نیست، ما در طول تاریخ بارها بارها و مستمرا شاهد ایجاد خفغان از جانب نیروهای میرنده برای جلوگیری از رشد آگاهی توده‌ها بوده‌ایم:

به موازات اوجگیری حمایت مردم و جذب هرچه بیشترشان به سعی نمی‌گردد که حتی صدای پیغمبر تلاش سازمان و هواداران برای بهتر رسیدن به گوش توده‌های محروم نرسد؟ مگر دستگاه‌های معاویه آنچنان مردم را در ناگاهی نگه نداشته بود که وقتی روز تیراژ مجاهد به طور چشم گیری افزایش پیدا کرد. بالا رفتن تیراژ مجدد مشکلات زیادی را همراه خود به ارمغان آورد.

حضرت علی (ع) در محراب شهید شد، مردم گفتند على را با محراب چه کار؟ مگر امام حسین را خارجی حضرت علی (ع) در محراب شهید چه کار؟ مگر امام حسین را خارجی معرفی نکردد؟ مگر عوامل بیزید به علت دراختیار داشتن همه‌ی وسائل ارتباط جمعی آن روز نشیوه نکشیدند که از قیس (نخایندگی امام حسین) سپاس گوئی پرداخته بودند بعد از انقلاب امکانات عظیم‌چاچی رژیم قبلی را (که از شیره‌ی جان خلق محروم تهیه شده بود) برای حمله به این آگاهی را که در مغز مردم (در این مبارزه‌ی امام حسین) شکل گرفته بود از بین ببرند؟

مگر در همین دوران اخیر در زمان شاه خائن و پدرش رضا خان قدر ما شاهد انواع حیله‌ها و دسایس و فشارها برای جلوگیری از آگاهی مردم مخصوصاً از طریق وسائل

د روپیرا مون فواری دادن شاه خائن از پانا ناما به مصر و . . .

راہپیمائی و تظاہرات علیہ فرار شاہ پا . . . ؟

از همین رو بود که ما از
رنگاری راهبیمایی و تظاهرات که به
نطوف اعتراف به فرادرادن شاه از
شاناما و حضور وی در مصر استقبال
زدیدم و در آن شرکت نمودیم، زیرا
جنین به نظر مرسید که بکار دیگر
حدود دشمن مشترک و لعن خطری که
نهادی ما و انقلاب مان را تهدید
کرد بتواند تفرقها و جدائی‌ها
با تخفیف دهد و صفوں پراکنده و
تستت خلق را همچون زمان حکومت
جاپانی شاه یا اولین روزهای اشغال
لانه جاسوسی فشرده و متعدد کرد، اما
فسوں سکانی که جز خود و حسدها و
لیندهای حقیر خود به چیز دیگری
معی اندیشند راهبیمایی مردم علیه
میریالیسم جنایتکار امریکا را به
سیدان ترکتازی علیه نیروهای
نقلاسی به ویژه مجاهدین تبدیل
کردند و ناجوانمردانه کوشیدند
جوشن کینه و نفرت مقدس خلق از
صریالیسم و نوکران سرسیده‌اش
(شاه و سادات و ...) را متوجه ما
کنند، در اطراف سفارت کتاب‌ها و
جزوه‌ها و اوراق به اصطلاح افشاگری
علیه سازمان مجاهدین در مقیاس
رسیع پخش و فروخته می‌شد یا به

چه چیزی در جامعه‌ما نسبت به گذشته تغییر کرده‌که دیگر آمریکا دشمن اصلی نیست؟

و افکار عمومی جهان را هم متوجه نقش مخرب امریکا در ایران نمود، فشار بر امریکا با اشغال سفارت آن کشور در ایران و گروگان‌گیری کارکنان لانه‌ی جاسوسی به اوج خود رسید و امریکا که نمی‌خواست شاه را به ایران تحویل دهد، وی را از کشور خود به پاناما فرارداد.

البته همچنانکه پیشتر نیز گفته‌ایم تحویل شاه به ایران از جانب امریکا بسیار بعید بود. زیرا این امر به طور استراتژیک با سیاست تجاوزکارانه‌ی امپریالیسم که بر حکومت خاندانه‌ی عروسک‌های آلت دستی همچون شاه بر خلق‌های تحت ستم جهان استوار است، تضاد داشت. با وجود این یافشاری بر استرداد شاه که در عین حال خواسته‌ای عادله‌نه و برق است و استنکاف امریکا از آن، مردم ما هم جنین مردم جهان را متوجه حامی و کارفرمای اصلی رزمی‌های وابسته و ضدخلقی می‌نماید و ماهیت روابط امریکا با کشورهای تحت سلطه را بر ملا می‌سازد.

اقامت در مراکش و مکریک بالاخره به امریکا، جایگاه سهایی عروسکهای دست نشانده پناه برد. انتخاب امریکا از سوی شاه دلایل روشنی داشت، اول اینکه در امریکا در پناه مستقیم و نزدیک ارباب امنیت بیشتری احساس می‌کرد، در حالی که مصر به جهت موقعیت خاص سیاسی و آینده‌ی مهم رژیم سادات و حضور رژیمندانگان فلسطینی حنان امنیتی را به وی عرضه می‌کرد، دیگر آنکه عمدیه بولها و سرمایه‌ی به یقین برده شده‌ی شاه در امریکا متفرگ بود و بالاخره امریکا به جهت امکاناتی که دارد سب از حضور مستقیم در منطقه مناسب‌ترین مکان برای طرح و نظارت توطئه‌ها علیه انقلاب محسوب می‌سود.

اما پناه دادن امریکا به شاه که دخالت آشکار در امور ایران بود موجی از خشم و نفرت علیه امیریا- لیسم تجاوزکار در مردم ما پرانتیخت به لحاظ سیاسی یک تعرض محسوب می‌سود و بحران فعلی را وارد مرحله‌ی جدیدی می‌سازد.

به یاد داریم در دی‌ماه ۵۷ وقتی که شاه از ایران خارج شد ابتدا به مصر رفت، چون هنوز امید بازگشت داشت و به همین جهت می‌خواست در منطقه حضور داشته باشد، و در مصر این امکان را داشت که از نزدیک تحولات را زیر نظر گیرد و احیاناً آنها را به نفع خود هدایت کند، ملاحظه‌ی دیگر لاید آن بود که نزدیکی شاه به ایران، وابستگان و سرسپرده‌گان رژیم را دلگرم می‌داشت اما حرکت پرشتاب خلق دولت یوشالی بختیار را در مدت کوتاهی جارو کرد و به مژده‌دان تاریخ انداخت و امید شاه را به بازگشت بر باد داد و شاه ناجار مصر را علیرغم خوشقصی‌های انورسادات که وی را به اقامت دائم در مصر ترغیب می‌کرد ترک نمود و پس از مدتی

چرا امریکا ما را به مصر فراری داد؟

محظی است برای افتخار ارثی علیه
سازمان مجاهدین و اینها همه با
وجود تاکیدی بود که ماجموعی روحانیت
مبارز تهران به عنوان برپاکننده‌ی
مراسم دایر بر اختصاص تظاهرات به
اعتراض علیه امریکا و محکوم کردن
حکومت مصر در پناه دادن شاه
خائن داشت و به خصوص قید شده
بود که از طرح سائل گروهی
خودداری شود. اکنون ما از جامعه‌ی
روحانیت مبارز تهران سوال می‌کیم
ناطقی که آن روز به عنوان نماینده‌ی
این حامیه سخن گفت آیا فی الواقع
با توجه به آنچه گفته شد امریکا
یا در صدد حمایت از شاه است،
را حفظ شاه را، هم به لحاظ
نگرمی دادن به سایر دست نشاند—
ن خود و هم به منابعی برگ برنده
عامل تهدید و توطئه علیه انقلاب
ضروری می‌بیند.

مدارک تبلیغ کودن هادی غفاری در سرحوزه های رأی گیری

نیایان میر بذریعه و مدهی کاظمی خواست. اتفاقاً این نظرت بر لشکرات مقدس شدایر ملی
بیش از سی هزار نفر تعداد ۷۸۰ و ۷۵۰ بیالیخ نمی خواستند از اسلام جم
در زیر ۲۴ و ۱۵۸ که در آن کوچک بود سهل صون خارجی خانگی اعمال نهاده باشد یا زیارت خواهد
از دین نزد شاهزاد است. نه آنکه نسبت به سهل صون خارجی خانگی درین شرکت موقت آزادی
ورزید بالای سر آنچه خسرو را بافت علیاً خانگی آنچه خسرو شفیعی و مصطفی اعلم پدر که چنانچه
اسلامی میعنی گردید که مسخره را خسروی اعلام کردندن بگیر و ملک خسرو. علیاً شفیعی که بزرگ پسر
در پیش از ایامی خسروی خانگی اعلام میکرد تبریزی میخواست علیاً خانگی صون خانگی کا در امامی
سپاهیان چادری خلیق بودند تو من خود را داشت لازم داشت از خودی کشید و پیش بخیز و دهنی
اگر چه بخیز اگر کشید (...) آنکه در مسکن خانگی خسروی خواهد بود. در آنچه مدنی سرمهی از
ایمان خود و محضی و مهربونی ملک خانگی خانگی است ای ای خانی خانی خانی خانی خانی خانی خانی
بسیار باید این سهل درین لشکرات آبلیخ نماید. آنچه خارجی خانگی از تباران تلف نموده و ای ایل شری
زیاری در آنچه کوشش و مجاهد نماید سهل کوشش نماید نه علی اینه باشی اینه باشی شد مذکور
دویشی در اینها مفترض نماید. وقت بانی اینه باشی بتوانی شکن نماید. و دیگر ایلهه بیرون دست حمله

مجاهدین خلق ایران در راه پیمایی و مراسم
سالروز تاسیس جمهوری
اسلامی شرکت می‌گند.

بهنام خدا

مجاهدین خلق ایران با تأکید بر مضمون رهایی بخش خد
امپریالیستی و اسلامی انقلاب ایران در راه پیمایی و مراسم سراسری
سالروز رفراندوم و تأسیس جمهوری اسلامی شرکت می‌گندند. شرکت ما
در این یادبود تاریخی و ملی، بدون هیچگونه علاّم و شاعر و تظاهر
اخص گروهی خواهد بود.

۱۰ روزی امتحان هرگونه استبداد، استعمار و استشمار
مجاهدین خلق ایران

جواب سئاد انتخاباتی
مجاهدین خلق ایران به
ادعاء مههای هادی غفاری

بەنام خدا
و
بەنام خلە قەرماناب

و بهنام خلق قهرمان ایران ذکر نکرد هاند چون از ماهیت استاد چنین برمی آید که موضوع اساساً تقلب عدد و رقم نیست زیرا به طوری که از متن سند ا روشن می شود "سندسازان" علاوه بر اعمال قوای سهگانه (مقننه، مجریه و قضائیه) صلاحیت تشخیص هویت سیاسی افراد را نیز داشته‌اند چون در دو مورد از موارد ۱۳ گانه به اصطلاح "سند تقلب هواداران مجاهدین" می نویسند "افراد متهم، از اعضای سازمان مجاهدین خلق تشخیص باشد لذا به عنوان تذکار، توجه نامه‌ی آقای هادی غفاری که در جراید روز ۵۹/۱/۶ درج شده بود ظاهرا حاوی مواردی از آن چنان دزدی و تقلب! مجاهدین خلق بوده است که علیرغم میل باطی شان به ناقچار "شیدیداشکایت" نموده‌اند . و ما نیز از آنجا که باورداریم عقیده آقای غفاری مصون از عقده‌شان می باشد لذا به عنوان تذکار، توجه

نیست، اما در عین حال یک دهن
ریسید، که در عین حال یک دهن
جی آشکار به اراده و خواست
بلیون‌ها ایرانی بود. اما سوال این
بود استفاده قرارگیرند. جواب این
وال را ابتدا باید در ویرگی منطبق
نمود و چرا که مصراً یعنی نزدیکی
آن کشور با ایران و سهولت طرح
و تهذیب و افترا و فحش و دشمن و
سخنرانی خود که از ابتدا تا انتها
او سیس منظور واقعیش را در
پنهان نموده بودند. این منظور
این آقا همان ابتدای صحبت
خود آب یا کی روی دست همه‌ی
مستمعین ریخت و گفت: "ما امروز به
خاطر این جمع نشده‌ایم که شاه از
پایگاهی به پایگاه دیگر منتقل شده
..." او سیس منظور واقعیش را در
سخنرانی خود که از ابتدا تا انتها
تهذیب و افترا و فحش و دشمن و
انقلابی به ویژه مجاهدین بود نشان
داد و البته این را هم خوب نشان
داد که واقعاً جه کسی در خط
امريکاست، او در صحبت‌ها يش اشاره
کرد که "دشمن اصلی دیگر امریکا
نیست" بلکه خطر اصلی درونی است
و منظورشان جاهدین هستند.

مد هاست . بنابراین با استقرار شاه در
عصر باید منتظر اوج گیری توطئه‌جنبی
ها و دیسپردازی‌ها علیه انقلاب
انقلابیون ایران که توسط عوامل
زد دور ساواک و با کمک و مساعدت
زیم ابورسادات به نیابت از جانب
آمریکا به اجرا درخواهاد مذاشیم .

از این جهت حداکثر مراقبت و
وشیاری برای مقابله با این توظفها
مری الزامی است. باید مردم را
لیه این دسایس که در شرف تکوین
ست آگاهی دهیم و با اتحاد و بسیج
ودهای توظفهای سوم دشمنان را که
بیش از هرچیز وحدت ملی ما را
نیز فرارداده است فاش و خنثی
نمیم. البته نباید در اینجا تغایل
مادات را به دوشیدن شاه واستفاده
از شروطهای او را برای حل مشکلات
قتصادی اش از نظر دورداشت.

ساخواهان مناظر هی تلویزیونی
دکتر بهشتی با برادر مجاهد
مسعود رجوی درباره کارنامه
پیکسله انقلاب هستیم *

امضا کنندگان نزدیک در مردم تغییر در حوزه سیاست امداد و
بسیاری از اینها که خود آنها را فهمیده اند می‌دانند در حوزه انسانی دستگاه‌های
پلیسی ناسیت هستند ۱۹۷۰ مصطفی‌زاده در مقاله بین سال ۱۹۷۰-۱۹۷۵ مرتکب خودکشی
و پیشگیران انتظامات را خوب به شناسی از حوزه انتظامی انتقاد می‌دارد.

WILLIAM A. COOPER

اہم المددان زیر دستور تعلیف در ۱۹۷۰ء ۲۶ ستمبر مذکور ایڈیشن پر مصہد احمدیہ و رحیمیہ علی

دایری استاد امداد و نور کله سرتد. توجه استنادات از این راه. ملارچ گنجینه
و امیر استاد انتقالی حارجی اخمام، د. احمدی، د. سارا اشنازی سیوار سید داد باشند چون بر یک کار

امانی شفیعی و میرزا شفیعی و میرزا علی احمدی
از این شفیعی و میرزا شفیعی و میرزا علی احمدی

صلاحیت تشخصیص هویت سیاسی است که علیرغم میل باطنی شان به ناچار "شیداشکایت" نموده اند. و ما نیز از آنجا که باورداریم عقیده آقای غفاری مصون از عقده شان می باشد لذا به عنوان تذکار، توجه ایشان را به موارد زیر جلب می کنیم : اولا در حوزه های مورد بحث شما، سازمان مجاهدین خلق ایران راسا هیچ بازرس و یا ناظری نداشته است که می توانید با مراجعه به فرمانداری تهران از تعداد بازرسان مجاهدین و همچنین حوزه های محل مأموریت شان مطلع شوید .

ثانیا ما ضمن محاکوم کردن هر نوع تقلب، چه ریز و چه درشت از شما خواهیم که مرور مجددی (هر چند سطحی) به صورت جلسه و استشہادی که در صفحه ۵ روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱۴/۲/۵۸ کلیشه شده و مورد استناد شما نیز می باشد بکنید تا شاید "سندسازان" آنچنانی بعد از این "دم خروس" را

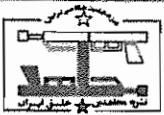
آراء و مسخه	در سند دیگر نسبت شده است:
۱۴۱	به شرح زیر ثبت شده است:
۱- دریکی از سه سند کلیشه شده	
می‌دهیم:	صرفاً در ارتباط با نامه‌ی شما توضیح
۶۷۱	مسعود رجوي هادی غفاری
۱۷۵	۱۹۶ مسعود رجوي
	آراء ثبت شده آراء واقعی
	صورت زیر نوشته شده:
	(بدون در نظر گرفتن ماهیت سندها)
	خوب بپوشانند و ما موارد زیر را

آراء ثبت شده	آراء واقعی	آراء ثبت شده	آراء واقعی
مسعود رجوى	۲۳۱	۲۰۶	همینطور شما هم در
مهردی ابریشمچی	۴۰۷	۱۷۶	اشارهای به نام و آراء خودنمای
عباس آگاه	۱۲۸	۱۰۷	نکرده‌اید. مگر شما در نامه متذکرنشد
هادی غفاری	۷۱۱	۷۷۸	اید که کتاب شهادت را جرمی

ولی در دو سند دیگر ضمن می‌نوشتید که طرفداران! مجاهدین اینکه اسم و آراء عباس آگاه را (به برای خدشیدارکردن شخصیت شما دلایلی) حذف نموده‌اند آراء را به به نفع تان دزدی کردند. همچنین نوشته‌هایی داشتند که این اتفاق را باعث شد

آراء ثبت شده	صورت زیر نوشته‌اند:
مسعود رجوی	"دیوان، بلخ"‌ها مشخص شوند.
مهدي ابريشجى	رونوشت به برگ استشهادی را که
هادی غفاری	نشان دهنده تبلیغ شخص خود شد.
ملاحظه می‌شود که "سندسازان"	در روز رایگیری و در حوزه رایگیری به نفع خود و کاندیداهای اسلامی و همتیظور هنگ حرمت سایر کاندیداهای است ضمیمه می‌گردند.

حقی اعداد ۳ رقی ساده را نیز (آن
هم در یک صفحه از روزنامه) به
طور مساوی (از یک مورد مشخص)



بقیه از صفحه ۵

افزایش بی نظیرو

هم تاکید می کنیم که هرچه واپس گرایان بیشتر از این شیوه‌ها استفاده بگنبد صلاحیت و عزم خواهان و برادران ما محکم‌تر شده و در شرایط لازم هزاران عباس‌عمنی دیگر با گینه‌ای هرچه بیشتر نسبت به ارجاع (وبا هوشیاری بیشتر) بوجود خواهند آمد.

ما مرتبا شاهد تلاش شبانه روزی و مقاومت بی امان خواهان و برادران می‌لیستیم فروشنده نشیبه مجاهد در مقابل عناصر فالانژ هستیم، عناصری که منطق شان در چاقو و پنجه‌بکشان نهفتند.

دقیقاً دیدن چنین مواردی است که ما را نه تنها در مقابل مشکلات فوق الذکر مصمم‌تر و تسليم ناپذیرتر می‌کند بلکه راههای جدیدی برای حل این مشکلات پیش پایمان می‌گذارد. طبیعی است که چار جوب و قادر این راهها تکیه هرچه بیشتر بر نیروهای مردمی حامی سازمان است.

درست به همین دلیل تاکید می‌کنیم که ما در عین حال که تلاش خود را در این زمینه به کار خواهیم گرفت از مردمان بهخصوص هواداران سازمان نیز می‌خواهیم در مورد چاپ و پخش و... بیش از پیش با ما همکاری داشته باشد. و هرگونه امکان چاپ، کاغذ، وسائل حمل و نقل در هرگجای کشورمان سراغ دارید در اسرع وقت برای ما بنویسید تا در صورت قابل استفاده بودن مورد استفاده قرار گیرند.

بقیه از صفحه ۴۰

یاد

قاضی محمد فرزند دلیر خلق کردگرامی باد

و بدون فشار ارتضی انجام سود. و وقتی او را از مداخله خارجی در حریان کردستان می‌ترساند، حواب می‌دهد که "ماهرگر مداخله خارجی را از هر طرف که باشد، خواهیم پدرفت. مساله کردستان یک مساله

نیروهای واپس‌گرا با چشم خود می‌بینند که مردم دارند به زعم آنها "منافق" و "ضدانقلاب" می‌شوند و این واپس‌گرایان شاهدند که هرچه توده‌های زحمتکش به شهر و روستا می‌رفت.

پس از ضربه شهریور ۵۵ و یورش عمومی ساواک به خانه‌های نعره می‌زنند و مردم را نصیحت می‌کنند کسی گوشش بدھکار نیست! آنها پیش خود اینطور فکر می‌کنند: مگر قرار نبود همه مردم تابع آن "اسلامی" که ما می‌خواهیم و تحمل ناملایمات موجود در راه بشوند؟ پس چرا اینطور نشد؟ و چرا این مشکلات استقبال می‌کرد. او می‌گیرند که حالا که خود مردم می‌فهمند! و حالا که ما قیم همه‌ی مردم هستیم! پس وظیفه داریم تا به آنها بگوییم! "الاحزاب قالوا هد ما وعد الله..."

هر شکی شد، نگذاریم "اوراق خاله" به دست مردم برسد. واپس‌گرایان با همین مصیبت در مورد انتخابات نیز روبرو بودند بسیاری از مردم منحرف و گمراه شده بودند (زیرا می‌خواستند به مجاهدین زمانی که با صفوی یکارچه دشمن غدار (شرایط سخت مبارزه) مواجه شدند گفتند اینست آنچه حدا به ما وعده داده است. داده است (تکامل مخالفین و تصفیه و آبدیده‌شدن در کوران سختی‌ها) و بر قاطعیت و ایمان آنها به درستی راهنمای افزوده‌گشت.

جواد در اسفند ۵۵ زندگی مخفی را شروع کرد و به این ترتیب تمام وقت خود را در اختیار سازمان قرارداد و به صورت یک انقلابی حرفاًی درآمد او در سال‌های ۵۵ تا ۵۳ که موج ترور و کشتار و دستگیری و سکجه و حسیانه انقلابیون توسط جلادان کمینه در سراسر ایران به راه افتاده بود، سختی و مشکلات راه را یک شیوه‌ی عمل استفاده می‌کند.

خلاصه اکنون نه فروشندۀ مجاهد و نه ماشین حمل‌کننده آن و نه خبرنگار آن و نه خود مجاهد هیچ‌کدام در امان نیستند. ولی باز

نیز از تقلب و افترا نا استفاده از این امکانات خود در حبّت انتطباق با این اهداف آغاز کرد و به تکامل و یورمیستی سیری شده و در این شرایط جواد به رشد سطح آگاهی و پیچیده تزلزلی به خود راه نمی‌داد.

جواد مقصود خود را به درستی درک گردیده بود. او و سایر رزمندگان مجاهدین خلق مصمم بودند که برای

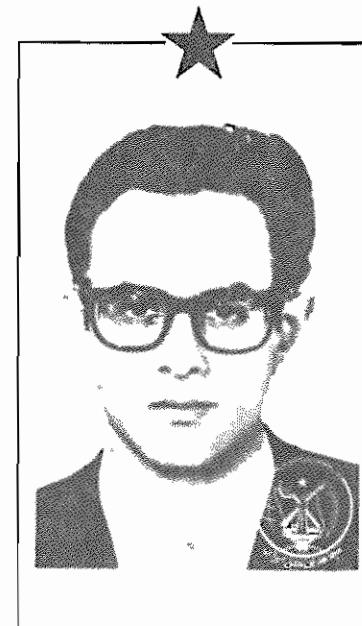
به سیش راندن هدف و مقصود پرشکوه توحید و یگانگی حامیه بسری تمام موانع و سدهای راه تکامل و دشمنی که در برابر آن ایستاده‌اند از میان بردارند و هستی خود را وقف این راه برارج گردیده بودند.

در همین سالها در کثار نامهای به کی از آنسایانش نوشت: "کارشناسان دشمن گفته‌اند که اگر بتوانند سازمان‌های چریکی را نا آخر

یاد شهیدان مجاهد خلق را گرامی بداریم

مجاهد شهید جواد ربیعی

مشعلی فراراها نقلاب شکوهمند ایران



خود قادر به حل مسائل پیچیده مبارزه و جاره‌اندیشی در شرایط مختلف باشد. و در جریان عمل و مبارزه صلاحیت‌های لازم را به ویژه در زمینه ایدئولوژیک که ساله اساسی درون تشکیلات به شماری رفت کسب کند. جواد نیز به این مسئله بیش دارد و چه مسئولیت بزرگی را به عنوان عنصر آگاه و پیشترانی در ایران بر عهده گرفته و مهمتر از همه به اهمیت کار عظیمی که سازمان به منظور احیای اسلام راستین و عاری از تحریف و سوءاستفاده‌های ارتجاعی و به عنوان رسالت مکتبی خود در پیش داشت، کاملاً واقف بود و با آگاهی از همه این مشکلات تلاش بی‌گیری را در استفاده از همه امکانات خود در حبّت انتطباق با این اهداف آغاز کرد و به تکامل و یورمیستی سیری شده و در این شرایط جواد به رشد سطح آگاهی و پیچیده فکری خود پرداخته بود تا در برتو صداقت و تقوی اندیشه ایشان در راه حقق ساختن هدفی گام نمهد که با سرنوشت و حیات یک خلق و یک ایدئولوژی ارتباط دارد.

خلقی که مبارزه و قدرت‌های خونسارش به بست کشیده شده و ایدئولوژی‌هایی که بر اثر سوءاستفاده طبقات استنمارگر دستخوش تحریف گردیده است.

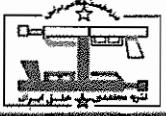
جواد در این سالها در کثار برادران مجاهد خود را انتخاب کرده بود و تلاش می‌کرد که به جهره واقعی و حقیقت اصلی آن دست باید. جواد آن گردید و به سطalte عصیق آن تمام این خواست و آرمان‌هاش را رو به

مجاهد شهید جواد ربیعی در سال ۱۳۶۶ در مشهد متولد شد. او درهایان شهر به تحصیل پرداخت. سال پنجم دبیرستان بود که خانواده اش به علت مشکلات اقتصادی مجبور به ترک مشهد شدند و به تهران انتقال یافتند.

جواد پس از پایان تحصیلات مقدماتی در سال ۴۵ وارد دانشگاه شد و در رشته فیزیک دانشکده علوم دانشگاه تهران به تحصیل مشغول شد او در این سالها در فعالیت‌های سیاسی - مذهبی شرکت می‌کرد و سطح آگاهی و شناخت خود را نسبت به مسائل مبارزه در شرایط آن روز جاهد ارتقاء می‌داد، حوالد حاضر نیوک که با ادامه تحصیل در سیستمی که هدف نیازمندی کادر فنی اداری برای سرمایه‌داری وابسته بود، برای خود شغل و زندگی مردمی فراهم سازد او مصمم بود که نیرو و فکر خود را در راه بهروزی خلق و پیغمبر آرمان خوبیش بکارگیرد و لذا به تمام مظاهر زندگی تهوع آوری که از تمره استنمار می‌لیون‌ها خلق زحمتکش ایجاد می‌شود پست با زد و قدم در دشمن گذارد.

مجاهد شهید جواد ربیعی در شرایطی به مبارزه روی آورد که بر اثر سلطه دیکتاتوری پس از کشته ۱۵ خرداد آنچنان ترس و یاس بر ذهن توده‌ها حاکم شده بود که آنها را از اندیشه‌یدن به قدرت‌های نهفته مبارزه را از بنیست ببرون آورند و خویش بازمی‌داشت و بسیاری از روش‌نگران نیز امید خود را نسبت به پیروزی خلق از داده بودند و تسلیم وضع موجود گردیده بودند.

اما او در همان دوران سکوت و سالهای تیره و تار، درخشش محدود خورسید انقلاب را از پس ابرهای خفغان می‌هن و پیروزی خلق رنجیده و فهرمان را بر دشمن غدار و خون آسام به حوبی می‌دید. او مستقد بود که سیستم بوسیله سلطنتی دوران تاریخی خود را گذرانده و علیرغم تکیک و سلام پیچیده‌اش را رو به



در مجلس به سرعت ماهیتشان برای توده‌ها افشاء خواهد شد. و یا تلاش مذبوحانه‌شان در ارائه این "افشاگریهای" مفتضح ناشی از این است که در صحنی ارائه‌ی سوابق انقلابی بروندۀای جز عافیت جوئی، سازشکاری و احیاناً خیانت ندارند، پس باید به دروغ تلاش کنند تا گذشته‌ی درخشان دیگران را هم ملوث سازند. مگر نه این است که دست اندرکاران این دروغ‌پردازی‌ها همگی در زمان طاغوت چون موش به سوراخ‌های خود خزیده بودند؟

نیروهای انقلابی نیازی به عواقب مفریبی ندارند.

آری این چنین است که برای واپسگرایان و سرمایه‌داران این روزها مسئله‌ی قدرت در یک جمله خلاصه می‌شود، "یا امروز یا هرگز". آنها خوب حس می‌کنند که گذشت زمان به نفع آنها نیست. بیداری طبقه‌کارگر و سایر زحمتکشان پایه‌های قدرت انحصار طلبانه‌ی آنها را تهدیدمی‌کند بنا بر این باید از فرستی که به دستشان افتاده با هرشیوه‌ای برای تشییت خودشان استفاده کنند واقعیت‌ها را وارونه جلوه دهند، آزادی‌ها را هرچه محدودتر کنند و عنده‌للزوم بای جماعت و ۳-۲ را به میان بکشند. بر عکس، نیروهای انقلابی هرگز از آینده وحشت ندارند، آگاه‌شدن مردم به نفع آنهاست چون چرخش چرخ‌های تاریخ آنها را تایید می‌کند آنها مجبور نیستند و نمی‌خواهند میدان فعالیت دیگران را محدود کنند چرا که می‌دانند در دادگام قضاوت توده‌ها محکوم نمی‌شوند، چون مدافعان واقعی منافع زحمتکشان هستند. حرفاهاشان به دل مردم می‌نشینند چون از فطرت تاریخ و خواست مردم نشات می‌گیرد، نیروهای انقلابی احتیاجی به دروغگوئی، تزویر و عوام فربی ندارند چرا که واقعیت‌ها به نفع آن‌هاست. به همین دلیل مجاهدین خواستار افسای کلیه روابط، بروندۀها و شکه‌های ساواک...،

از انتخابات درسی بیاموزیم

می‌شوند خودشان را نشان بدهند و ماهیتشان را رو کنند. یعنی افشاء این با تلاش مذبوحانه‌ی خیال خود می‌شوند. آنها برای کسب پیروزی در قبال نیروهای انقلابی "مجبورند" لوث کردن ساقه‌ی انقلابی او دست به تقلب، دروغ، استفاده از چماق و ... بزنند. همانطور که امیریالیست‌ها برای بقای خود به ناجاردر قبال خلق‌ها راه تجاوز و ستمگری پیش می‌گیرند. و ادامه‌ی این مهده سلا محصلو اخلاق ناشایست این زندگی چیاولگرانشان جز با غارت طلبی‌های فلان رهبر حزبی یا فلان مسئول دست اندرکار است ولی این برداشت ساده‌گزینانه، سطحی و گمراه کننده است. کما اینکه به طور امیریالیستی آنها متلاشی خواهد شد.

حال بینیم چرا؟ همچنانکه می‌دانید در جهان بینی توحیدی، حرکت جهان هدفدار این نیروها به هیچ عنوان مربوط و صدیق است و عملکردهای انقلابی است و سمت مشخصی را دنبال می‌کند، به چند فرد یا چند چند چند و نتیجتاً بینش توحیدی، تاریخ را نیز دارای حرکتی هدفدار می‌بیند که سرانجام آن رسیدن به جامعیت سازمان ما مورد تهاجم و تهمت قرار گرفته، ولی نیروهای صدیق و انقلابی دیگر جریان تاریخ با نفی طبقات، نفی استعمار انسان از انسان و نفی هنر و این شیوه‌ها استفاده نکرده‌اند.

تبغیض و نابرابری متراffed است. در زمان ما تجلی عینی این درک توحیدی اعتقاد به ضرورت نفی استعمار انسان از انسان و در شرایط تاریخی امروز و اصل قراردادن منافع کارگران و کشاورزان در مقابل سرمایه‌داران و مستکرین می‌باشد.

اگر احزاب و گروه‌ها و ریشه‌های اجتماعی و طبقاتی این نوع برخوردهارا درک کنیم، عملکردهایی که بدون شک وابسته به خصوصیات سازمان‌ها و سایر نیروهای مختلف اجتماعی را مورد مطالعه قرار دهیم متوجه خواهیم شد که بر پایه‌ی درک توحیدی فوق، عده‌ای از آن‌ها بهر دلیل چون با این سمتگیری همچی که به ذهن ما خواهد رسید این

از ابتدای پیروزی انقلاب تا به امروز، نیروهای انقلابی و بیش از همه سازمان ما در معرض انواع و اقسام عملکردهای غیرمردمی بوده است که همه با آنها آشناشی داریم و آخرین آن که بسیار هم باز بود تقلب‌های

وسیع و گسترده‌ای بود که برای جلوگیری از ورود کاندیداهای انقلابی و ترقیخواه به مجلس شورای ملی بطور سازمان یافته‌ای صورت گرفت. و بحق دست‌اندرکاران بخوبی از عهده‌ی انجام آن برآمدند. به واقع اگر می‌خواستند و می‌توانستند این همه حسابگری وقت و انرژی را صرف‌کنی از مشکلات روزمره‌ی مردم بکنند، حتی بازی از دوش توده‌ها برداشته می‌شد.

راستی دقت کنید، همین یک قلم عملکرد در مورد انتخابات و این "تقلب بزرگ" که به هیچ وجه محدود به تقلب سر صندوق و تقلب شمارش نمی‌شود، بلکه در واقع از همان ابتدا با طرح انحصار طلبانه‌ی دومرحله‌ای، استفاده‌ی مزورانه از رادیو تلویزیون، سوءاستفاده از نماهه‌ای جمعه درسراسر کشور برای کوبیدن سازمان مجاهدین چنگ انداختن اختباوس وار بر مدارک مرکز اسناد برای حفظ اسنار ساوایکها و توطئه‌چینی گسترده برعلیه نیروهای انقلابی تحت عنوان افشاگری، بوجود آوردن شبکه تقلب با قراردادن اجرای انتخابات در دست کمیته‌ها و بالاخره آن "حقه بازی و کلام‌برداری بزرگ" بانام "اختلاف بزرگ" که واقعاً روی کلام‌برداران حرفای بین المللی را سفیدکرد و دیدیم که داد همه درآمد ... اینها همه و همه اجزاء یک جریان تقلب سازمان یافته بودند.

علم توسل

به) بنی شیوه‌ها چیست؟

با توجه به این عملکردها این است که تلاش کنیم افراد نوینی نفی استعمار نمی‌باشند، حرکت تاریخ جایگزین آنها شود و یا اگر چنین به نفع آن‌ها نیست یا به عبارت دیگر بیاندیشیم که صرفاً ضعف اخلاقی آینده مال آن‌ها نیست و به گذشته منشاء‌این عملکردهاست کار ما در حد تعلق دارند و ایسکرا هستند. تمام عملکردهای اخلاقی موقوف خواهد ماند.

نامه سرگشاده خواه شہلا حیری به همسرش

روزنامه جمهوری اسلامی مطالب مندرج در صفحه ۲ شماره ۲۳۹ به تاریخ ۶ فروردین ماه ۵۹ آن روزنامه که تحت عنوان نامه سرگشاده به آقای مسعود رجوی را که در باره اینجانب شهلا حیری (فاضل) نوشته بود، درج نکات و موارد ذیل را در همان صفحه و همان سenton و با همان حروف طبق قانون مطبوعات در اولین شماره‌ی روزنامه پس از دریافت این نامه خواهانم.

نامه سرگشاده به همسرش اگر بخواهیم این نامه را به روال نامه تو بنویسم باایستی خطاب به حزب؟ تو باشد ولی من روی اصول اخلاقی که بدان پاییندم ترا مخاطب قرارداده و این نامه را خطاب به سازمان یا حزب به خصوصی نمی‌نویسم.

وقتی که نامه‌ات را در روزنامه‌جمهوری اسلامی تحت عنوان نامه سرگشاده به برادر مجاهدم مسعود رجوی خواندم بسیار متعجب شدم زیرا این نامه را قبل از جم خانوادگی تحت عنوان "نامه سرگشاده به همسرش" خوانده بودی و در سرتاسر نامه نیز من مورد خطاب تو قرار داشتم، نمی‌دانم این تغییر توسط خودت صورت گرفته یا توسط مسئولین تحریریه روزنامه مزبور. به حال متأسف از اینکه ظرف دوشه روز مسئله خانوادگی فیما بین تبدیل به مقاله‌ای علیه مجاهدین خلق گردید. اول از همه از تو که قصداری اختلاف خانوادگی مان را به پای مجاهدین بنویسی، به عنوان یک مسلمان از تو سوال می‌کنم دعواها و اختلافات گذشته را که منجر به جدایی مان شد می‌خواهی به پای چه سازمان یا گروهی بنویسی؟! هرچند که من اکنون نیز با حفظ عقیده خودم که معتقدم هنوز در ابتدای راهم، مطابق دین اسلام که عقیده کسی نباید به دیگری تحصیل شود، الزامات زندگی مشترک را پذیرفته و می‌پذیرم و این تو هستی که قادری با غلبه بر انحصار طلبی و مقام برستی خودت زندگی مشترک ۱۷ ساله‌مان را از هم نیاشی، این دیگر کلام‌برداری بزرگ آیده از قرآن نیست ولی در تعجب از تویی که به آیه‌های قرآن استناد می‌کنی؟! این تو هستی که قدری با غلبه بر خانوادگی در زندگی خصوصیت مرتكب شده‌ای که بیش از این نمی‌خواهم وارد جزئیات آن شوم زیرا هنوز هم معتقدم زندگی خصوصی هرگزی به خود و خانواده‌اش مربوط می‌شود و اگر اکنون دست به قلم برد هم افقط به خاطر دفاع از خود و عقیده‌ام می‌باشد نه افشاری زندگی خانوادگی مان و اگر تو مایل باشی مدارک زندگی این خططاها و خیانت‌ها و انترافات را طی نامه مفصلی به طور خصوصی برایت پست می‌کنم.

و اما درباره زندگی طاغوتی مان، من که یک معلم با حقوق ماهیانه ۳۷۴۸۹ ریال هستم چگونه می‌توانم زندگی طاغوتی فراغتی خواهیم نمایم و لی با اینهمه من یک طرفدار ساده سازمان هستم و مجاهدین در قبال هیچگونه مسئولیتی ندارند ولی این سوال درباره تو، که هاون پارلمانی وزیر بهداری هستی، مطرح می‌گردد و مطمئن با نوشتن این نامه و عنوان کردن مسائل خصوصی خانوادگی ات و ربط دادن آن به سازمان و در نتیجه کمک به ایجاد جو ضدمجاهدین به پست‌های بالاتری نیز دست خواهیم یافت.

نیروهای انقلابی
احتیاجی به دروغگوئی، تزویر و
عوام فریبی ندارند چرا که واقعیت‌ها
به نفع آن‌هاست. به همین دلیل
مجاهدین خواستار افسای کلیه‌ی
روابط، پرونده‌ها و شبکه‌های ساواک
و سیا بوده و هستند. . و می‌دانند که
در دادگاه خلق برندۀ‌ی واقعی‌خواهند
بود.

بری مگرا
هند؟
های هی
برای روابط
شدت.
دلیل
جلس
ن رو
بیزی
نه
جامعه
دشت.

دست نتیجه‌گیری عملی از بررسی فوق این است که نیروهای انقلابی می‌باشد بدور از هنرمندان طبق "فردا" و ساده گزینی توجه کشند که در نهایت نتی شدن عملکرد های غیر مردمی و واپسگاریانه فوق فقط با تلاش مستمر در جهت آگاهی توده ها و کوتاه شدن دست سازشکاران و مرتجلین از سرنوشت مردم امکان پذیر است والا تا کوزه این کوزه است از درونش جیزی خواهد تراوید.

三

از علاقومندان تغاضاً می‌شود که گمگ
های مالی خود بسراي سازمان
مجاهدين خلق ايران را به حساب
حاري شاره "۱۳۰۰" يانگ صادرات
تعمدي ۲۵۹ واقع در پرچم شيراز
داريز تهايت و حواله‌ي آن را به
صدقوق پستي "شهرآب ۱۶ - شاره
۱۵۵۴" ارسال دارد.

گی
هی
دی
ببت
بی

نفی استثمار نمی‌باشد، حرکت به نفع آن‌ها نیست یا به عبارت آینده مال آن‌ها نیست و به تعلق دارند و واپسگرا هستند. عملکردهای غیر مردمی نیز انحصار طلب در سیستم حاکم در جوهر خود از همین ماهیت سرچشمه می‌گیرد. به عنوان مثال چشم‌گیرانه‌ترین اقدامات

شیوه‌ها و عملکرد
هر جریان
مبین ماهیت آن

برای روش شدن ها
باید به یک نکته توجه کرد
که عملکرد اجتماعی نیروه
دقیقاً بستگی به ماهیت
آنها دارد، ماهیتی که خ
نوع رابطه‌ای که این نیروه
نیروهای اطرافش برقرار م
می‌دهد. به عبارت دیگر
سازمان در صحفه جامعه
با سایر احزاب و گروه‌ها
و چه نخواهد خودش را "روز"
به عنوان مثال وقتی ساز
میدان مبارزات انتخابات
می‌شود، جمهوریخواه

با توجه به این عملدردها
سؤال مطرح می شود که چرا نیروه
مرتکب به چنین شیوه های دشمن
می زندند؟ آیا واقعا آنها وقتی چه
برگ از بازجویی های قهرمان مقاوم
و سهل شرافت نسل انقلاب "مسعو"
را سرهم می کنند و به خورد توده ها
ناتاگاه می دهند نمی دانند که مسنه
تک تک برگهای بازجویی را با
قهرمانی و با تحمل شکنجه های
طاقت انسانی نوشته است. آیا و
آنها نمی دانند که در زندانها مسنه
برای همه مطمئن ترین مرجع سیر
از رشمند ترین اسرار بود؟ آیا آیا
نمی دانند که مسعود ذرهای از اس
انقلاب را برای دشمن فاش نکرد
نه. می دانند، خوب هم می دانند
آنها می دانند که در شرایط زیاد
بازجویی هستگامی که زندانی شنی تو
از ترس لورفتن پیغامی را به وسیله
نژدیکترین برادرش به دیگران برس
مسعود به سادگی از طرف همه مهندسین
اعتماد قرار می گرفت و پیغام های
را که هر یک چه بسا انقلابیون دید
رانچات می داد به سلول های مختلط
می رساند. آری آنها می دانند. مس

بقيه از صفحه‌ها

مُحَاہدَيْن بِرْمَازَرِ پُدْر طَالِق

استعمار و استثمار یک مبارزه انقلاب اسلامی است، نمی‌تواند جوهر انقلابی اسلام را ستایش کند. زیارت تربت پدر طالقانی بار برای برادران و خواهان فرصتی است که با میثاق و آرمان او تجدید عهد کنند، بخصوص آغاز سال جدید که امید رهای شکوفائی انقلاب، همگام با تجربه طبیعت، دلها را زنده تر کنند. با درود به، وان یاک پدر طالقانی که حرمت بیشتری پدر را گرامی دارد؟ آنهم در غوغائی کوه‌فهاداری به اسلام ضداستداد، ضداستعماًرو ضداستثمار که پدر مدافع آن بود، عنوان "تفاق"، "ضداسلام" و "ضد انقلاب" می‌گیرید!

با این حال وجود نهایی بیدار حتی در اقصی نقاط جهان وقتی با این نگرش پدر آشنا می‌سوند که: "هو انقلاب و میا، هاء، عليه استداد،

تسلیت

امروز مصادف با شهادت حضرت فاطمه(ع) بانوی بزرگ ام
امانت.

A decorative floral ornament consisting of stylized leaves and flowers, centered at the bottom right corner of the page.

امروز مصادف با شهادت حضرت فاطمه(ع) بانوی بزرگ ام
آشناست.

وجود شیرزنی چون او در تاریخ مکتب ما، قبل از هر چیز نشایر خود را اسلام با مسلمه زن می باشد.

حضور فاطمه در صحنه‌ی عمل اجتماعی و سیاسی و نحوه‌ی زندگانی او مشت محکمی به دهان یاوه‌گویان و اپسگرایی است که با افکار پوسیدن خود بزرگترین زنگار طبقاتی و ضدانسانی را به جهودی پاک مکتب توحید می‌زدهاند.

سلسله مقالات "زن در مصیره راهی" را آغاز کرد ماهیم. باشد که زن اتفاقاً مدد حلقه اجتماعی خود را چون فاطمه در جامعه آبتدید بسیار.

لی با اینهمه من یک طرفدار ساده سازمان هستم و مجاهدین در قبال هیچگونه مسئولیتی ندارند ولی این سوال درباره توکه معاون پارلمانی زیرین سبداری هستی، مطرح می‌گردد و مطمئن با نوشتن این نامه عنوان کردن مسائل خصوصی خانوادگی ات و ربط دادن آن به سازمان در نتیجه کمک به ایجاد جو ضدمجاهدین به پست‌های بالاتری نیز دسخواهی یافت.

در قسمت دیگر نامهات توهین به روحانیت و جمهوری اسلامی من نسبت دادهای، اگر چه این مطلب اساساً واقعیت ندارد ولنگذار در اذهان مردم این چنین منکس شود که تو برای سریوش گذاشت مر ضرب و جرح من این دستاواز را ساخته‌ای، مطلبی که متناسبه نه بمنزهی گذشته به نوعی دیگر باعث بسیاری از ظلم‌ها و رفتار غیرقانونی غیرراسانی می‌گردید، و من معتقدم که هیچکدام از این مسائی معمی توانند مسئله اصلی یعنی ضرب و شتم مرآ توسط یک فرد کیفیت‌های بیوتو نماید. پس باید در پی رسیدهایی درد بود نه ظاهرسازی و عوایل تربیتی و سوءاستفاده از احساسات یاک مردم با عنوان کردن مسائی خانوادگی، و حال که تو دنبال ضارب و علل آن و بی‌گیری شکایت می‌فرمایی و مقاله مسئول مملکتی حداقل با توجه به اعلام تهدید به قتلی که ضمیمه نامه است و مسئله جان یک انسان مطرح است میدوارم که در این مورد خاص نه به عنوان همسرت بلکه به عنوان یک هموطن ایرانی و مظلوم واقع شده اقدام لازم را بنمایی.

در خاتمه انتظارم از ارگان یک حزب رسمی این است که به بزرگسازی و دردهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بپردازد و برای بازگردان تیراژ، مسائل خانوادگی مردم را دامن نزند. من بر عکس همسر که به خاطر حفظ مقام زیرنامه‌اش را امضاء ننموده، امضاء می‌نمایم، زیارت عتقداد دارم که صداقت و بازگوکردن حقایق بالاترین اخلاق اسلامی نسانی است و هیچ لطمی‌ای به انسان نمی‌زند.

نوشت روزنامه‌های آزادگان، اطلاعات، کیهان، بساداد، انقلاب‌سلامی، جنبش، مجاہد.

"ما هدأ لكناها والهنا فيهم واخليط عليهم"
ما كناهار ومننا فكان مبارزة ، ودرما روزه بايشان
"ساخت گیریا شد"

فام شدلا خرسی هلقه:

طبق رای مادره در دادگاه اسلامی ماشمارم خواسته بود:

- ۱- حساسی، شریجه‌یتی، تهییه شنکوکس از مارک مرجوزه‌ی دلخواه و تهاب مذکور فاصل شوره‌ها نکه یکی از سوابق و پیران دولت وقت است.
- ۲- سلطه کمالات تلقینی و خبرهای محرمانه مخفیانه و مخفیانه سازمان منابع در روزهای ۵ بهمن ماه.
- ۳- مسوم گردید اینکار شد و این داشت آموز در پرونده در مصلحتی شکن خدمتی شاکه مردم مستحب حقوق کفر و پرمانه آشنا شوند اینها شورش اینان را مستثنی نهاده باز هم برید
- ۴- مخفیانی، شاکنی و خروجی و چکلب آخرین اینجاهاست.
- ۵- لداشان طبق آیه شرییه شکنکردن حقوق در دادگاه اسلامی اینها بایه محاکمه و بمرگ نتو موجه هزا محکوم شدید این حکم در مکن از محلیهای سراسر شهر در جلوی مردم اسلامی مینهیں ما اخراج او اعداد شد. باشکه این ایک گفتگو را با ایوان حاممه یونهایک گردد باش شاهزاده سیدیگی این دادگاه.

۱۰۷۳- شاهزاده پاکسازی مدار

الله أكثار المذاقين على المذهب عليه
عذريان و ملائكة